



۳

نشریه  
مجاهدین خلق ایران

## " جنگل شماره ۲ "

مرداد ماه ۱۳۵۳

شماره

صفحه

شماره

مجموعه

۱

پیام بهادرمجاهد، ستوان امیرحسین

۹

احمدیان به نیروهای مسلح رژیم

۲۶

انبار رزقزارشات مرصاد به عملیات مسلحانه

۴۰

انبار رزقزارشات کارگری

۵۳

انبار رزقزارشات روستائی

۶۰

بیاد سجاد شهید ملی ولی پور

۶۶

پیام به قدامتگاه شمر

۶۸

انبار رزقزارشات دانشجوئی

۷۵

انبار رزقزارشات روحانیست

۷۸

انبار رزقزارشات علمی

برنامه سیاسی مرحله ای "جهش"

۵۸

تلق به برای آزادی میسان

==== ( بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران ) =====

\* \* \* \* \*

## جنبش مسلحانه و مردم

( سخنی کوتاه از تجربه )

دستگیرهای شهرور ۵ وادهای بعد از آن بواقع ضربه سنگینی بود که تحیل آن لجنان شریعی برای سازمان ما بسیار طاقت فرساده شوار بود . اکثر نام سازمان تحت شدیدی ترین پیگرد های پلیسی قرار گرفتند ، پیگردی که تا آن زمان ، سازمان علیرم کارمندی چند ساله قدرت مابله با آنرا ندانست ، چرا که نیروهای پلیسی واضیتی رژیم بانویه به عطیات چریکهای فدائی و مرکزاری بخشهای د و وزارتخانه ها از من جهت بیع شده بودند ، تا سرگشته فمالیتی راکت ف و شش سارند ، رژیم توانست پس از اتمام چشمهای د و وزارتخانه ها ، ساله که بدون هیچ خطاری برقرار شد با اطمینان فراوان بگوید که " بودند کسانی که فکریاتی در ذهنشان می پروراندند ولی شملکی تمام شدند " .

برادران ما ، علیرم اینکه ممکن بود قدرت خود شک کنند که میتوانند این راه را ادامه دهند ، ولی کلا برایین عقیده مشق بودند که خط شی امروز سازمان منی بر مبارزه مسلحانه د رژیم و علیه رژیم تنها خط شی ای است که به طور مرحله ای میتوان روی آن تکیه نمود . لذا نیروهای موجود سعی نمودند تا آنجا که شد و راست خود را در حول این محور جمع نمودند ، و سازمان دهند .

## ----- جنگل ----- صفحه ۲

شکست شهر پیروز تجربیات فراوانی برای ما بجا گذاشت • افسراد  
حصصی که توانسته بودند از جنگال رژیم در امان باشند، بطور عاقلی و  
خفیی کوشیدند تا رسالت دشوار مبارزه را که تا آنروز عهد تا بردش برادران  
و تدانی مائز داشت به عهد، بگيرند و این کاری، بر طاعت فرسا و کمر شکن  
بود که جز از عهد، افراد مؤمن و مصمم و فعال ساخته نبود •

مردم ماکه بار شکستهای تاریخی را در مقابل دشمن بدوش میکشیدند  
و هاسرتهائی از آن، و تحرکشان را گرفته بود، با اولین اقدامات پیشگامان  
سلخ در مساعکل و در شهر، بارقه های امیدی در دلشان درخشیدن  
گرفت و ولی باد سنگینهای بسیار وسیع رژیم و قدرت نمائیهای او، مسی  
و فتد که بار دیگر رشت برده یاس و برای مدتهای مدید دیگری پیخ بزنند •  
دشمن بعد از این، تجربه عمل مسداتنه شهر کوکوه را هم بدست آورده بود  
بدون اینکه هسته ای در شهر کوکوه با گرفته باشد که متقابلا تجربیاتی در  
مقابله با دشمن داشته باشد • بودند کسانی که با افراد سازمانهای پیشتاز  
به صورت قریبانیان مفلوکی نگاه میکردند که عتق به راهی مسلخ میشوند و نزدیک  
شدن با آنها خطرناک است • این مساله رشد سازمانهای پیشتاز و استقبال  
مردم از مبارزه را به خطر جدی انداخته بود •

اماد ردل همین تیرگی پرتوهای امید به نثر نیز به ششم میفرود • کنگاه  
عملیاتی مسلحانه، نرنند کوچک و مشاورتهائی حماسه انگیز رخ میداد •  
برادر مجاهد رشاد زانی در یک طین دتقی و انقلابی و زیرکانه از جنگال

رزم کهنه‌ت و پادشاهی پراز تجارب و سازمان رایان‌های گرانقدر داد .  
 فعالیتها، خواهران و مادران «بناشد ماریج تازه ای به جامعه» در سوله  
 نیزان نشست داد ، روشنگری‌ها کرد و بعد جدیدی بمبارانات خلق ما بخشید  
 اما تردید نسبت به قدرت طاوت خلق و تردید نسبت بآینده و جنبش در  
 بسیاری کسان وجود داشت و رزم هنوز آیه «ای پاره‌مخواند»  
 در چنین شرایطی رزم پادشاهی نیکسون میخواست نشان دند که آرا  
 کورستان را تکمیل کرد و در آینده نیز انرا به جنبشهایی از درخت جنبش مسر  
 بزند به ماد گرم، تا بل تلخ شدن و از میان رفتن «مستند» رزم شاه با اقدام  
 «برادر» بنا شد و قبل از ورود نیکسون بایران میخواست نشان دند که  
 محشده های مخالف را نابود کرد و ورا ضااع کاملاً مسلط است و ایران هم  
 بهشان به عنوان جنبه ثبات میتواند مرکز فعالیت ای عظیم اقتصادی بنفع  
 امپریالیه تنها باشد .

نظری ما بخوبی شاهد بود که همزمان با ورود نیکسون و در هنگام اقامت  
 او در اوائل خرداد ماه سال ۵۱ در تهران ، علی‌رزم جوخه‌نقان و فعالیت  
 شدید مأمورین ساواک و شمر رانی و مأموران جاسوسی آمریکا هتیم کردند  
 بسبب پرندرت و اقدام ژنرال پراچ را در کانی ، پشت امپریالیت‌ها و سکه  
 ترجمه‌شان شاه را الزامید و دانشجویان تهران ، با الهام از بهنگامان  
 مسلح خلق، با پر تابلو سنگ با توپیل، نیکسون و همراهانش خشم ملت ما  
 را نسبت به امپریالیزم امریکانشان دادند .

## ----- جنگل ----- صفحه 1

نتایج برای همه واضح است . رژیم در تبلیغاتش تا حد کورچکوسین  
شهر پروستاشکست خورد و امید های مردم زنده گشت و اولین صفوف آماده  
مردم بتدریج حمایت خود را در اختیار جنبش میگذاشتند .

عملیات بعدی سازمان نظیر اندام سر رشته طامری و ... حمایت  
توده ای وسیعتری را برای ما برسان آورد . رژیم این امید را داشت که  
عاملین درجه اول را بدام انداخته و اعلام کند " چند تن بودند .....  
آنها را گرفتیم " ولی سازمان دیگر در سمای شهر پروستاشکست بعد از آن  
راه خوبی فرا گرفته بود . حوادث به آموختند که بایستی برای جذبها  
حاصل در راههای گذشته ( پرازنه رور ) ، مدتها کار سخت درون  
تشکیلاتی انجام دهیم تا بتوانیم نتایج پیروزی را حفظ کنیم و سازمان پس  
کسب این تجربیات و جذب رارگانیم خود ، آمادگی لازم را برای استیلا  
از وظائف آینده فراهم آورد .

فرار برادر رجاء عدتی شم رام به همراه عزیزم بهدیده ما برادر رجاء همد  
ستوان امیر حسین احمدیان از زندان ساری ، هاشان دشنده و شد جنبش  
و شوق آن بداخل کارهای دشمن از یکطرف و به پندیری اواز طرف دیگر  
بود . شکافی که در پی پوشالی قدرت رژیم ایجاد شده بود ، باز تنویر  
میشد . رژیم علیرغم بسیج نیروهای وسیعی جهت دستیابی باین دوره زنده  
انتحالی تاکنون نتوانسته است حتی رد پائی از آنها را بدست بیاورد .  
بهدیده همد و دیگری که در تاریخ جنبش میهن مای سابقه است .

----- جنگل ----- صفحه ۵

مبارزه است که برادران ما و سایر انقلابیون اسیر و علیرغم شرایط دشوار زندانبانان دست زده اند. مقاومت شجاعانه آنها در برابر شکنجه ها، طاقت فرسای، آزارآمیزی و دفعیات پر سر و شور و شکرشان در پیدادگاههای رژیم، آموزش سیاسی و خودساز، و بالاخره اعتصابات منور آنها در برابر شرایط دشوار زندان، در مجموع تأثیرات بسیار مثبتی بر روی مردم مبین مآذ اذیت و موجب اعتقاد و اطمینان بیشتر مردم نسبت به مسأله جنبش و پیکارشان مسلح آن گردید.

در بحال اخیر، سازمان بااثر<sup>۱</sup> به انجام درون تشکیلاتی و پشتیبانی گروه ها، کبیری از قشرهای مختلف مردم بهر از موقع دیگر در برابر و دشمنی<sup>۲</sup> که گفته که شامل پانته ترین شکل سرکوب پلیسی بر اساس تجارب امپریالیستی است، وفاق و سره ناپذیر گردید و جز در موارد<sup>۳</sup> دشمن قادر به ضربه زدن اساسی بهمانند<sup>۴</sup> است. علیرغم اینکه دل ما از تلفاتی که اینجا و آنجا داده ام میباید رد آمده است ولی دیگر جارب کردن سازمانهای مسلح فقط امید سرکوب شده ای در اندیشه شاه خائن است.

سازمان ما که اینک خود راه رژیم تحمیل کرده بود میتواند مطابق مصالح جنبه<sup>۵</sup> دست به تبلیغ سیاسی بزند. مصالح جنبش اقتصادمیکرد که سازمان با مبارزات صنفی قشرهای مختلف مردم بیشتر آشناسد و آنها را بتدریج در جهت مبارزه اصلی علیه رژیم رهبری نماید. از ناپیسی

## ----- جنگل ----- صفحه ۶

مبارزات قشرهای مختلف مردم کار دراز مدت و وظائف فوری ما را مشخص میزند. لذا سازمان در رابطه با اختصاصات دانشگاه صنعتی دست به عمل زد و پایی خطاب به تمام دانشجویان صادر کرد که حاوی تحلیل جنبش دانشجویی و مهم ترین وظائف آن در ورطه کنونی مبارزه است. این پیام با استقبالی کم نظیر از طرف دانشجویان روبرو شد و هم رحمت زده برای جمع آوری نسخه های متعدد ی که میان دانشجویان توزیع شده بود دست با اقدامات حادی زد.

در چهارم، خرداد و خرمیزمان یاد و بین سالگرد شهادت پنج نفر از برادران سازمان بدنبال يك سلسله عملیات انفجاری در مراکز اقتصاد امریکائی - اسرائیلی و سرمایه داران داخلی، پیامی به مادران و خوانوران و ایستگان شهدا و زندانیان سیاسی و افراد مبارز فرستاد. همراه اینان از ابتدای جنبش تا بحال نقش بسیار موثری در افشاگری دشمن و بالا بردن دید سیاسی مردم و معرفی جنبش مردم داشته اند و این تصادفی نبود که بدنبال پیام سازمان و تعیین اصلترین وظایف این قشر، پس از چند هفته، مادران و خوانوران زندانیان سیاسی و وابستگان به جنبش در وزارت تهران و هم دست بتظاهرات وسیعی زدند و شمار آنها "الله اکبر" و "درد برجامدین" بود.

طی ماههای گذشته و در رابطه با عملیات مسلحانه، جنبش کارگری در ایران روز بروز باج بیشتری گرفت بطوریکه تا شون شاهد درها اختصاصاً کارگری از طرف کارگران مبارز بوده ایم. از جمله آنها، اختصاصات کارگران

کارخانجات لند روپرازانابود . درست در هنگامیکه این اختصایات به نقطه اوج خود رسیده و کارگران باغشویت ضد انقلابی رژیم روپرو شده بودند سازمان هجادمین به حمایت از آنها بپندین عمل انقلابی انجام داد . نباید لائل بسیار روشنی به دوریک اعلامیه که باخط بسیار درشت و متنی ساده که برای عموم کارگران قابل درک باشد اکتفا نمود که در سطح وسیعی به خصوص در میان کارگران توزیع گردد .

ما از تمامی گروهها و سازمانهایی که عمدتاً خود را در پیله بحثهای شعریک محدود کرده اند دعوت میکنم که به تصمیماتی که طی سالهای گذشته در زمینه های مختلف در میهن انجام گرفته توجه بیشتری بکنند . رشد سازمان هجادمین خلق و یونیکهای فدائی خلق علیرغم شدید تن پیکرد شاورسکوهای پلیسی نشان دهنده به سالهاست و آيا جزد ارتباط با مردم و حمایت بیدین آنها جنبش میتواند طی سالهای گذشته خود را مفصل کرده و برشد خود ادامه دهد ؟ رشد گروههای انقلابی کوچک و بزرگ چه در تهران و چه در شهرستانها و اوج گیره مبارزات در کلبه طبقات خصوصاً در میان کارگران نشان دهنده به چه چیز است ؟ آیا جزاین است که در کنار عوامل زمینائی « مبارزه مسلحانه » پیشاتر نقش مهمی در اوج گیره مبارزات خلق ایفا کرده است ؟

فداکاری افراد و گروههایی که علیرغم زندان و شکنجه و تبعید و اعدام دست با قدامات و ملیتات انقلابی میزنند و جزوات و نشریات سازمانهای

----- جنگل ----- صفحه ۸

انقلابی را تکثیر و توزیع میکند و در بدنه‌ها، ارتباط با انقلابیون هستند  
و حاضرند همه چیز حتی جان خود را در این راه بگذارند. نشاندن حلقه  
چه مطلبی است؟

این جریان‌ها حتی از شهرهایی که <sup>۱</sup>سپاه کج هم نشده است  
گزارش‌دهنده است.

آیا هیچ خط مشی‌ای میتوانست در این مدت کوتاه این چنین مردم  
را سیاسی کند و پیشگامان طبقات و تشویش‌های مختلف مردمی را به هم  
بکشد؟

مطالب این نشریه بخودشان دهنده گوشه‌ای از روش جنبش  
سیاسی شدن مردم و در همین حال گویای میزان تماسی است که  
سازمانهای رزنده با طبقات مختلف مردمی دارند.

قدرت نیز در مردم است

مجاهدین خلق ایران

مرداد ماه ۵۳

پانزدهم اردیبهشت ماه ۵۲ فصل نویی در تاریخ جنبش انقلابی ایران گشوده شد . انقلاب سلطانه خلق ایران توانست آشکارا در برابر اصلاح مستحکم دشمن تزلزل ایجاد کند ، توانست تاثیر عظمی و عمیق خود را در صفوف دشمن پائیات برساند ، توانست پرتو و جاذبه انقلابی خود را از حصارهای تودرتوی رژیم پلیسی شاه عبور دهد و اثر انقلاب افسران شرانتندی که هنوز وجدان خویش را پاک نکند اشته اند برساند بدین ترتیب ، افسری که رژیم شاه نتوانسته بود وجدان او را بخرد ، افسری که به طبقه خود پشت نکرده بود ، افسری که دشمنان و ایام مظلومان و کمرنگان را می شنید ، افسری که حاضر نبود در دست نوکران آمریکا و انگلیس و اسرائیل بعنوان چماق سرکوب خلق باشد ، افسری که رسالت خود را اطلعت کوکوراته نمیدانست ، آری ستوان امیر حسین احمد پیمان افسر نگهبان مسئول زندان ساری با جمارت انقلابی خویش با الهام از منته انقلابی نظامیان و مهندسین و دانشجویان از آموزشهای کتلی محمد تقی خان پیمان و سروان خسرو بیاض و بسیاری دیگر از این قهرمانان راه خوشه ریاقت ، مزدوری محمد رضا شاه را ترک گفت و با انقلاب سلطانه خلق پیوست . سلاحی را که آمریکا و اسرائیل و شاه باو داده بودند تساه بروی مردم آتش بگشاید بروی خود دشمن گرفت و با یک جهوش انقلابی

----- جنگل ----- صفحه ۱۰

قدم به پیش گذاشت . اوسوی خلق برگشت و در آغوش گرم و رحمت خلق  
و بیشکامان نهاد او جای گرفت . با این عملیات انقلابی بود که دینورزند  
راستین خلق ، برادر رجاهد محمد تقی شهرام ورنیز، مبارز حسین عزتی  
از زندان شاه آزاد شدند و تعداد ۲۰ هفت تیرا سهرنگ فیلد آمریکایی  
و یک دستگاه بی سم ساخت اسرائیل و مقدار قابل توجهی مهمات به  
فتح انقلاب صادره شد .

هم اکنون ، برادر رجاهد ستوان امیر حسین احمدیان پس از یک  
سال، مبارزه در صفوف مجاهدین خلق، تولد نوین خود را جشن میگیرد  
و به برادران نظامی خوش دین و نیروهای مسلح کشور پیام نهروا می  
فرستد (۱) :

---

(۱) متن این پیام ( به صورت نوار ماسدای، برادر رجاهد احمدیان )  
از پخش فارسی رادیو " صدای انقلاب " که خطاب به نیروهای  
ایرانی متیم عمان از دادن پخش میشود ، پخش شده است .  
برنامه فارسی این رادیو، پنج کوتاه ردیف ۴۲ متر از ساعت هشت و  
پنج دقیقه بعد از ظهر تا هشت و پنج بوقت تهران پخش میشود .

پیام برادر جاحد ستوان امیر حسین احمدیان

به نیروهای مسلح رژیم

بنام خدا و نام خلق قهرمان ایران

درد فراوان به همه شماسرازان و درجه دارانیکه به ملت حقوق کم و زینه سرمام آورندگی و انواع ظلم های رژیم ، زندگی سخت و ناامنی فرسائی را میگذرانید .

درد بی پایان به همه شما انصران پاک و شرفی که بی عدالتیها و تبعیضهای رژیم و جدان پاکتان را جریحه دار میسازد .

یکسال است که زندگی نپوشی را آغاز کرده ام ، یکسال است که از تید بونگی رژیم مغضو خوار شاه رنائی یافته به صفوف خلق پیوسته ام .  
 بد پنجبهت فرست را منتم شمرده ، از درون صفوف پیشگامان خلق و از سنگرانقلاب مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد داری ، از درون صفوف مجاهدین خلق ایران باشما برادرانم صمیمت میکنم . میگویم خلاصای انزلی و مواعلی را که باعث شد ترک مزدوری محمد رضا شاه را بنمایم و در صف مقابل رژیم قرا بکیم ، باشما در میان بگذارم . اگر چه خودتان با با همسین حقایق یا با حقایقی بهراتب تلختر از اینها رو برو بوده اید ، اما بهر حال من وظیفه خود میدانم که انگیزه اقدام خود را بگویم .

از آغاز زندگی با درد های مردم آشنا بودم . پدرم یک کارگر چمنکش

است که با وجود عمری بهر ارزشست سال با حقوق اندك در كارخانه نساجی شماره ۱ شاهی كار میکند • او مرکز كشتار كارگران كارخانه نساجی شماره يك شاهی را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۹ از پا نهاده است • در دامن يك خانواده زنجیرش پست شده ام و گمان اینکه میتوانم به دست داشتن شغل افسری شهرستانی مردم وطنم خدمت کنم بدانشکده پلیس رفتم • اما برخلاف انتظام از اولین درسهائی که به ما میآموختند چگونگی سرکوب تظاهرات مردم و مقابله با مردم بود • از درسهای شخصیت کسبی و فساد یکدم دوره سه ساله دانشکده پایان رسید و چهار سال بعنوان افسر شهرستانی در اداره راهنمایی و رانندگی تهران و بعد در کلانتری ساری و سپس در اداره زندان ساری مشغول گاشدم • در این مدت حق کسبها و نامردمیهای فراوان ندادم • اصلا چه کسی در میان شما میتواند ادعا کند که بارها و بارها شاهد از بین رفتن حقوق مردم نبود است و باز چه کسی در میان شما میتواند ادعا کند که قادر است زندگی نظامی خود را با میان برساند و بدون اینکه حقی را پایمال کرده باشد ؟ آیا و نه من سیمتی میتوان برای همیشه پاك و سر بلند زیمت ؟ کدام افسر پلیسی میتواند شراشتندانه ادعا کند که خود ناظر یا عامل اجرای تخیر محتوای پرزنده داء، کوناگین بر اثر سفارش و دستور مافوق یا رشوه نبوده است ؟ کدام افسر پلیس میتواند شراشتندانه ادعا کند که در جریان زندگی افسری خویش کرا را شاهد یا عامل اجرای پرزنده سازی علیه بیگانهان نباشد

مانفوق یا اعلیٰ دیگر نبوده است و بی گناه را محض قلمداد نکرده باشد ؟  
 اما همانطوریکه همه میدانیم در میان شما هستند درجه داران و انصراف  
 پاک و خیرینی که با توجه باینکه در بعضی مواقع شاتمشان و حتی شغلشان  
 واقعا در خطر است در مقابل بیمه‌های آنها در دستگاه و روسای خود لب به  
 اعتراض می‌زنند . اینگونه نظامیان پاک که همیشه میکوشند سدی در  
 مقابل تبعیضها و رشوه خوارها و بیمه‌های دستگاه باشند حتی الظهور  
 توسط رژیم و با بازداشت‌های مکرر و دادن درجه و مقام و انتقالاتی بی  
 دردی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند . اینگونه درجه داران یا انصراف  
 ادای جمله‌های معروف و درود را نمی‌خوانند و تن به هرگونه پستی نمی‌دهند .  
 هم اکنون نیز در هر قسمت از نیروهای مسلح رژیم و همانطور که میدانید و  
 هستند درجه داران و انصراف که با وجود غریزه‌های سرسام آورندگی با  
 همان حقوق کم و ناگفتنی بزندگی سخت خود ادامه میدهند و با اینکه زمینه  
 رشوه گرفتن فراهم است ولی هرگز شرافت خود را بی‌فروخته ندارند  
 هستند درجه داران و انصراف پاک که در مقابل بیمه‌های و تبعیضهای  
 دستگاه و سادگاریها و رشوه‌گشای انصراف مانفوق پشت تاراجت نمی  
 شوند ولی از آنجائیکه نمیتوانند اعتراضی بکنند لب فرومی بندند و با هم خود  
 می‌سازند و اعتماد بیک حالت خمودگی و ناراحتی پسر می‌برند .  
 درود فراوان به همه شما سربازان و درجه داران و انصراف که مسئولیت  
 انسانی خود را فراموش نمی‌کنید . خلق ایران به شما افتخار میکند . اما

همه شما باید بدانید که این خلق مستعبد و محروم از شما انتظار دیگری دارد. زمانیکه محمد رضا شاه خونخوار و جنایتکار خاطر اجرای دستوراربابان خود یعنی امپریالیستهای آمریکائی و اسرائیلی و سرمایه داران غارتگر و اخلی که خود در رأس آنان است و کارگران و دهقانان مستعبد را به گونه می بندد و آزاد بخوانان و ولایتیان را در کوبه و ضامان بخون میکند و به حسابانه ترین و خبیثی تمام حقوق انسانی ملت را زیر پا میگذارد و منزل مردم را بر زمین میرود و حق طلبان را یکراست به دین محالکه به پیروخته آتش میبندد و در این شرایط دیکتاتوری محمد رضا شاهی که در ملوک خود پارتیشن خون پاکترین جوانان وطن ما همراه است و مزدوران و دروغبازان رژیم در شکجه قحطیهای قرون وسطائی تار و پود شجاعتین جوانان وطن را از هم میگسلند و آزاد بخوانان و انقلابیون در دخمه های مخوف و ضامن و در شست میله های زندان بر سر میزنند و در شرایطی که رژیم ظالم پهلوی به علت ماهیت ضد مردمی با انواع نقشه های پلید و تجاوزات خود قصد کشتار تدریجی و دسته جمعی انقلابیون را حتی در شست میله های زندان دارد و در شرایطی که رژیم تجاوزگر محمد رضا شاه نباید ستور امپریالیسم آمریکائی و انگلیس ۱۱ هزار نفر از شیما افسران و سربازان را به طرف آبهائی دریای عمان بکشتار برادران مسلمان خودتان و همان و امیدوار تا از رژیم فاسد و ظالم و مرتجع قاپور حمایت کنید تا برادران و خواهران مسلمان مستعبد و خودتان یعنی انقلابیون ظفار را که برای آزادی مبین برستا

----- جنگل ----- صفحه ۱۰

از جنگ استعمار به دست با انقلاب مسلمانان زده اند بخاک و خون بکشد  
و بالاخره در شرایطی که رژیم غرضخواه شاه شمارا قهرانی حفظ طالع نسیم  
اربابان استعمارگرش میباید و دیگر باقم خود ساختن و گمگاه زیوار و ارمین  
ظالمانه نرستن و دل به "حق و حساب" نکرستن خوش کردن و دردی  
از این ملت ستد به "راد و انبکند" بنا بر این از شرایط وسیله ای که  
میتوانید استفاده کنید و با وایت کلیه مسائل تاکتیکی بفرجه این سیستم  
بعضی این رژیم مستکرم باخیزید و به یقین به اند تازمانیک سر نوشت ملتتان  
به دست دربار سلوی است مرکز مملکتان ما به خصوص زحمتکشان ازایس  
وضع نالکبار نجات نخواهند یافت و برانداختن رژیم این است انتظاری  
که کارگران محرم کسورتان که پشت مورد استثمار سرمایه داران خارجی  
و وابستگان داخلی شان قرار دارند از شما دارند و این است انتظاری که  
کسانی و زنان فقیر کسورت و کهنشندان جنوب و زافه نشینان گرسنه مملکت و همه  
مردم کسورت از شما دارند و این است انتظاری که باکترین جوانان وطن از  
دین شکجه گاهها و سلولهای نناک و تارک و از پشت میله های زندان  
از شما دارند و این است آن اقدام اساسی که روح شهیدان قهرمان وطن  
را شاد خواهد کرد و سرانجام این است انتظار برادران و خواهران مسلمان  
شما در قفاز د رسخت ترین شرایط به نبرد عادلانه آزاد بپخش دست  
زده اند و شما نظامیان به خصوص ارتشیان کسورت مورد خطاب قرار میدهند  
که: ای برادران نظامی مسلمان ایرانی! آگاه باشید که رژیم مستکرم

ایران شمارابه برادرکسی فرستاده است • مانیزمثل شما ازظلم استعمار  
 گران و نوکران آنان رنج میبریم • ما برادران و خواهران مسلمان شما محترم  
 ما هیچ تقصیری نداریم جز اینکه برای آزادی و استقلال کشورمان از جنگ  
 امپریالیسم انگلستان و آمریکا و نوکر سرسپرده شان سلطان قاپورچنگ  
 عادلانه آزاد پیشتر دست زده ایم ما تقصیر نداریم جز اینکه میخواهیم بخار  
 چندین ساله استعمارگران انگلیسی و آمریکائی از ثروت ملی و ذخائر نفتی  
 که متعلق به ملت فقیرمان است پایان دهیم •  
 ما با شما هیچگونه دشمنی نداریم بلکه برادرانه توصیه میکنم قدری بهانه  
 و خود آئید و گول تبلیغات و روغن رابری ملو، را نخورید • فراموش نکنید که  
 شخصیتهای انقلابی پر محبتی ای مثل کلنل محمد تقی خان پسیان و سروان  
 خسرو رزبه از بین شما برخاستد و ناپای جان مبارزه خود با دشمن و  
 جنایت کاران را داده و جنوزهم مرگشان زندگی سازاست • دلیران  
 خود گذشته ای چون سرباز کارده، شمس آبادی، هازیمان شما برخاست •  
 باز فراموش نکنید که از بین شما مبارزینی برخاستد که تا با امروز حدود ۲۰  
 سال است که در زندانهای شاه پسر میزند ولی در مرکز حاضر نیستند از آرمان  
 خود یعنی سرنگونی رژیم پهلوی و آزادی ایران و برقراری عدالت اجتماعی  
 دست بردارند •

برادران نظامی ام ۱

باید احترام کم از زمانیکه در انتم وجود من به روشنگری که باشد باندازه

خودش در حفظ و قای این سیستم دیکتاتوری و ناپایداری موثر است و نفس  
بزرگ بر وجود سنگینی میگذرد. از نگاه کردن مردم میترسیدم و هرگز  
بدوی در یافته بودم که <sup>کینه</sup> بیست خیانت میگویم. کابوس خیانت به هموطنانم  
حتی در خواب نیز مرا هان میکرد. در همین جا از تمام هموطنانم به خصوص  
نوده های زحمتکشان تهاجمی باید پرسش توبه ام مرا مورد عفو قرار دهند  
زیرا مدت چندین سال از عمر خود را نه تنها در جهت خدمت پائینانگذاشتم  
بلکه به علت نادانی در خدمت دشمنان ملتم بودم و در همین حال از دست  
رنج هموطنان زحمتکشان استاده میبودم و ولی خیانت به هموطنانم  
و تنی به نتر از همیشه برایم مسلم شده که در تن از جوانان پاک این آب  
و خاک را بزنند و آوردند که من زندانبان آن بودم. این دور زنده  
گرد یعنی برادر و جاهد محمد تنی شرم و رفیق مبارز حسین عزیزی  
با وجود بیکه خود در قید اسارت بودند. حتی در داخل زندان ها آن  
شرایط سخت از حقوق سایر زندانیان عمومی دفاع میکردند. اما در  
مقابل و طبق دستورهای قانون از آنجاییکه مسئولیت انتظامات  
داخلی زندان با من بود میبایست آنها را قید تر نمود و محظورین آنها  
برایشان فراهم نمایم. باز مثل همیشه در تمام مراحل زندگی افسوس خود  
بر سر و راضی قرار گرفتن :

بایستوان یکی از کارندان این دستگاه بازم همگی نموده و حامل سرکشی برای این دوره شده و واقعی مردم و روشنگری که حتی از زندگی

نسبتاً مرده خود دست کشیده و زندگی خود را فدای احقاق حق و زحمت  
کسان و نود های محرم کرده و در سختترین شرایط نیز آنها را از یاد نمی  
پسرنمید.

و با اینکه در کنار این عقاید قرار داریم و ولی این هم مستحکم باخیزم  
مرحله ای بسیار دشوار بود و از آنجائیکه در جریان زندگی نظامی خود  
قرار داد این مرحله قرار گرفته بودم لذا مطمئن هستم که شما نظامیان  
نیرویای سه گانه نیز در زندگی خویش مکرر این دوره ای یعنی راه  
خدا و راه شیطان و راه آزادگان و راه دشمنان و راه خلق قرار گرفته اید.

بنابراین با مباحثی بهمان راه سابق ادامه دهم و با به صفا پس  
و همین پرست قهرمان در آم.

ناگفته نگذارم که بزرگترین سد و مانعی که در راه پیوستن من به انقلاب  
وجود داشت، علاقه شدید خانوادگی بود ولی وقتی مصیبت و آبی اعضای  
خانواده این دوزخنده دلیبراد روزهای ملاقات میدیدم بی نرسد م  
که بین اعضای خانواده آنها نیز روابط عاطفی شدیدی وجود دارد  
که این انقلابیون بر آن غالب آمده و عاطفه زندگی را فدای آزادی مردم  
و وطنشان کرده اند. لذا من که آنها را از هر نظر مشورتاً وجود خود و راه  
خدمت بمردم میدیدم و مانند آنها بر تمام علائق خانوادگی و سایر  
عوامل بازدارنده غالب آمده و بهمنی آنها و بهمنی انقلابیون خلق پیوستم.

باگذشتن روی وابستگیها وآنها راندای رهائی خلق کردن همان است که تران بهامیاموزد :

« اگرید رانسان ، نوزده ائتان ، برادرانسان ، دمسرانسان ، بستگانان و زالمهای راکه اند وخته اید وکاروکاسپیتان را از خدا و پیغمبر و جهاد در راه ارسینسرد و ست میدارید ، یعنی منافع و مواظقتان را بهرپارزه ترجیح میدوید بد آنبد که کفر سختی درانتظارتان خواهد بود . »

بسرادران نظم سامسی ام

ازاولین روزکه نخستین قدم حق را درمقابل باطل برداشتم ، با رعایت کلیه مسائل اضتی و درست کردن بهانه های پخلادرد و ست و چنان برمشکلات راه غالب آمدم که برای خودمان تجربه خوبی نشد و ثابته گردید که درما پیشرا از حد تصور نیرو وجود داشته که از آن خبرند لغتم پس از تعلیمات موفقیت آمیزترارما از زندان ساری ، بهخشنامه ای صادر کردند که ظرف ۴۸ ساعت باید مرده یا زنده ام پیدا شود ، ولی تمام تلاشها مذبحخانه دشمن با آن برنامه های جاسوسی ضد خلقی آمریکائی

اسرائیلی و آنهمه گادرد سازمان امنیت و سهرانی و انداروری و ارتش بی نتیجه ماند . رژیم بهیچوجه جرات نکرد باین اقدام انقلابی فرزندان خلق اعتراف کند و مراد بهخشنامه سری خود هخامن به محمد رضا شاه معرفی کرد . البته باید بگویم از اینکه رژیم مراعاتن بخود میداند بسیار مخبر و سختخیم ، زیرا که باگذشت زمان ، از یکطرف ایمان باصالت

انقلاب چون بیشتر میشود و از ملخ می به جنایات و مآهیت ضد مردمی می رسد بیشتر آگاه میگردد . آنها بنظر شما ، در يك جامعه طبقاتی مثل جامعه ما که در هر گوشه آن میتوان نابرابری های عدالتها را دید ، کسیکه بر علیه چنین وضعی دست با اقدام بزند نباید در برابر ملتش سر بلند باشد ؟ من در دهان شب فرار یعنی شب آزادی واقعه ملی آخرین یاد داشتمی که برای رژیم گذاشتم علت فرار را خیلی مختصر همین بی عدالتها و مردم طبقات دانسته ، زندگی گذشته خود را عامل تنگی در قبال ملت میدانستم در دفتر زندان ساری چنین نوشتم :

" راهی را که انتخاب کرده ام ابتدا این بود است ولی من برای سیر کردن شکم گرسنگان مردم و این لباس رنگین را ترک میکنم . . . اینک مختصری از زندگی خود بعد از فرار را شرح میدهم :

پس از فرار از زندان پادشاهی جدیدی آشناسیده ام که همه چیز آن پادشاهی که قبلا در آن زندگی میکردم فرق زیادی دارد و من اکنون هم چنانکه از سالها قبل آرزو داشتم ، زندگی نوینی را آغاز کرده ام و بسط و روزی را که در این دنیای جدید سرشار از زندگی و خلق پذیرفته شدم بحساب روز تولدم میکنم و بحق که تولدی تازه یافته ام و اکنون نیز به سرعت رشد مینمایم . امروز که از زندگی تازه ام میگذرد احساس میکنم که هموطنانم ، هموطنان و نجیبم بحق زیاده تری بگردنم دارند ، زیرا که مدت چند سال از زندگی نظامی خود را در خلاف جهت ضایع آنها و در راه

سرکوب نرند ان پاك و انم و حفظ این رژیم صرف کردم • اما اکنون که به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمده ام • همانطور که اصول و اساس این سازمان بر روی ضایع و حقون زحمتکشان استوار است • من نیز همچون جبران گذشته ننکن خود • تا آخرین نفس و تپای جان برای تحقق اصول و آرمانهای سازمان انقلابم مبارزه خواهم کرد •

سربازان • درجه داران • افسران

شما با زبانی، به نهایت تجاوزگر جانی و دین حال بغایت مزبور و اگر که حقایق محض را وارونه جلوه میدهند سر و کار دارید و در حال حاضر نیز هم با تبلیغات زیاد و همه جانبه حقایق را منکسر نشان میدهند •

یکی از انواع حیل های رژیم • نسبت دادن مابه نیروهای خارجی نسبت ضد اسلامی دادن به است • اما تمام مردم ایران بخصوص شما نظامیان نیروهای سه گانه بدانید و آگاه باشید که ما از فرزندان و برادران و خواهران واقعی شمایم و هیچیک از نیروهای خارجی در ارتباط نیستیم و نه تنها مخالف اسلام انقلابی نیستیم بلکه یکی از نزدیکترین یاران اسلام میباشیم • رژیم بدروغ و قبحخانه بهانه جیت خارجی میدهند • همانگونه که رژیم بیزید نسبت خارجی به حسین بن علی علیه السلام میداد • از همین جاست که همه مردم کشور و به خصوص شما نظامیان باید کاملاً متوجه شوید و گول برنامه های تبلیغاتی سراباد روغ رژیم را نبخورید • بد رستی راه ما • راه انقلاب مسلمانه خلق ایران بیاورید و بدانید که رژیم برای گول زدن شما

شدت به تبلیغات دروغ میرود از د.

شما ای برادران نظامی! مطمئن باشید که بنا بر حکم تاریخ سوانح نام  
این تخت و تاج شاهنشاهی که از خون مردم مارتنگین است و از کون خواهد  
کرد بد و پاسترنگونی آن دشت زرینی در تاریخ کشورمان باز خواهد شد. این  
را من نمیگویم این را تاریخ مبارزات ملت ما در همه کشورهای جهان به  
اثبات رسانده است. نظامی مختصر بتاریخ ایران در این نیم قرن اخیر  
تیمز صحت این مطلب را با اثبات میرساند و نشان میدهد که نیروهای حق طلب  
بنا بر صورت تاریخ رفته رفته نوری میشوند. رضاخان قلد و چند رکبتار کرد و  
چند رد یکتا توری سپاه خود را بشدیدترین وجه بر مردم اعمال کرد. پسر  
اوسعد و ضامن و چند رگزارگران و روستائیان و دانشجویان و روحانیون  
مبارز و عناصر و دیگر مردم را کشتار کرد و چند مردم را به سیاه چالها  
انداخته است مردمی که در گذشته یعنی حتی تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۲ نمی  
توانستند از خود دفاع کنند همین مردم اکنون اسلحه بدست گرفته اند  
و به نبرد مسلحانه با رژیم مغفوری ملوی میرود از د و این تخمین بزرگی در تاریخ  
مبارزات مردم کشور ما است. زهرانشان میدهد که مردم رفته رفته قوی می  
شوند. زمانیکه توده اسلحه بدست گیرد و دیگر هیچکس هیچ نیروی  
رایارای ایستادن در مقابل این سیل بنیان کن نمیشد و همچنانکه سهل  
خروشان توده های متحد بد و سازمان یافته و مسلح و تمام بنیان بزرگترین  
قدرت استعماری بنیان یعنی آمریکا را بلرز و در آورد و مردم کشور ما نیز

\*\*\*\*\* پیکن \*\*\*\*\* صفحه ۱۲

و نه رفته صاحب بندگان خواهند شد و نه بان کاغ استبداد پهلوی را نابود کرده و پیرانه های آن جامعه ای آزاد و مبرا از خدا نه را برپا خواهند داشت .

نمای پسران نظامی ! اگر بخواهید شرانت نظامی خود را منظم کنید به نیروهای انقلابی روی آورید و از توده های استبداد و محرم که نیروی مرکز اصلی تاریخند پشتیبانی کنید تا در این حرکت عظیم و بی نظیر نظامی سهمی داشته باشید .  
ارتشبدان کشور !

مردم تاریخ جهان به خصوص تاریخ معاصر با زیرم این اصل مسلیم را به نظر به اثبات میرسانند که نیروی مجاوزتر محکم به شکستی مسلم و نظامی است پس بداند که تجاوزات ایران به ایالت طنار و عمان در آینده شکستی نظامی مسلم خواهد انجامید . همانطور که تمام نیروهای مجاوز آمریکائی در تمام : نیروهای ترانسوی در هند و چین و الجزایر و نیروهای مجاوز کرانگلیس در هند و دیگر نقاط جهان سرانجام با طغیت و خوارى و در سالکاه تغیر حلقه های جهان را برپا خواهد کرد و برانگیختند ، قریب خلایق مورد تجاوز ، خلفه حاکم برین رانده شدند ، انقلابیون طنار و نیز لیبی و مراکش و ایران شاه را با انقضای هر چه تا ستر از زمین خویش برین خواهند داشت .

برادران نظامی نیروهای سه گانه کشور ! آناه باشید که در اندیشه

رئیس فاسد و ظالم هستند و خود، این ظلم و فساد را در همه جای اجتماع  
 میتوانند ببینند. از طرفی در صف مقابل رژیم، صف توده های خلقی و  
 برادران و خواهران واقعی شما قرار دارند که برخلاف ظلم و ستمگری افسوس  
 رژیم به شما، و کمک و پشتیبانی شما احتیاج دارند تا حکومت فاسد  
 و ستمگر را براندازند و یک اجتماع بی طبقه و توحیدی ایجاد کنند.

ما از شما میخواهیم که به ما روی آورید و آموزش گم خلق همیشه بروی شما  
 باز است. انقلابیون شما را در میان خود جای خواهند داد و از همان شما  
 که من برخورد ارشدم برخورد خواهند شد همانگونه که هر بن یزید را با  
 با انقلاب حسینی بیست و سه رژیم یزیدیان پشت پا زد و شما نیز به رژیم  
 چنانکه یکار سلوی پشت پا زد و بهمازین انقلابی که ادامه دهندگان راه هر  
 انقلاب سرور و مجاهدین حسین بن علی میباشند به پیوندید.

من از وقتی که به برادران مجاهد خود یعنی بقلب پرورش خلق خوش  
 پیوستم و در تمام مراحل باچنان استقبال گرم و سرور باچنان محبت و  
 صمیمیتی اصیل رو برو شدم که از خدا میخواستم ای کاش قدرت بیشتری  
 میداشتم و میتوانستم خدمت بهتری باین برادران و خواهران پاکفرد آگار  
 مجاهد که یک لحظه از توده ها غافل نمیشد بنمایم.

” هر چه مستحضر باد پیوند جنبش مسلحانه خلق با نیروهای

نظامی وطن پسرست ”

آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱  
-----چنگل ۲۵

• هر چه نرود انتر باد خورشید جنبش صلحستانه خلق •

• سرنگون باد زخم سنگر و خون آشام محمد رضا شاه •

• دست تجاوزگر شاه از میان خلقهای ایران و رب کوشاه •

• پیروز باد نبرد نهرمانانه خلق عمان علیه تجاوز مزدوران شاه •

وارایان آمریکائیه تکلیفشان

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۳

===== x x x x x ===== اطلاعات مسلحانه x x x x x =====

در شب چهارم خرداد وصادف با سالروز نورپاران پنج تن از کرامتین  
فرزندان رزقنده خلق محمد حنیف نژاد و سعید حسن علی اصغر  
به پنج زادگان محمود مگری زاده و رسول شکین نام ده و واحد چریکی  
از جهادین در سه عمل به یکداری هماهنگ علیه سه موسسه انجمن الهی  
... صهیونیستی وارد بغداد و گسترش راه مبارزه مسلحانه و اراده خلل  
فایده بر پیشگان مسلح خلق را بدادند این راه آشکارا اعلام نمودند .  
... نهادهای مورد حمله عبارت بودند از :

۱ - ساختمان شرکت آمریکائی - اسرائیلی جنرال با انفجار دو صب  
یکی در ساعت هشت و نوزده دقیقه بعد از ظهر عنوان هشتاد و مردم و  
جنگجویی از وارد آمدن هرگونه تلفات پانصد و یکری که بسیار نیرومند بود  
پنج دقیقه پس از آن انفجارات فراوان دید .

۲ - شرکت انگلیسی - درباری بهی یورکسایر با انفجار یک صب نیرو  
در ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر شدت آسیب دید .

۳ - شرکت اسرائیلی تگوا یس با انفجار دو صب یکی در ساعت ۸  
و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر عنوان هشتاد و مردم و انفجار یک صب در یک ساعت  
پس از آن در حالیکه نیروهای پلیس و امنیتی از حده درآمده و شورش

از انفجارات بی دریغ بدو ساختمان حلقه زد و وسیع کدام جرئت نزدیک شدن به ساختمان را نداشتند. پایه های ساختمان حرکت و تمام تاسیسات مربوط بآن درهم کوبیده شد \*

سازمان مجاهدین خلق ایران بدنبال این عملیات و اطلاعیه سیاسی - نظامی شرحی تحت عنوان "عملیات ضد امپریالیستی مجاهدین به نسبت بزرگداشت سالروز شهادت ای جهان خرداد و پیام به خانواده های قهرمان شهیدای در خون خفته خلق و رزمندگان اسیر" صادر و بسطع به سراسر وسیع میان مردم توزیع گردید. در این اطلاعیه نقش مادران و خواهران مبارز و شرایط کنونی مبارزه و اصلی ترین وظایف آنان در مقابل بازماندگان شهید و خانواده های زندانیان سیاسی و کلا وابستگان به جنبش تشریح شده است. شایان ذکر است که در همین رابطه، مادران و خواهران شهید اوزندانیان سیاسی و وابستگان به جنبش در بازار تهران رقم به حمایت از زندانیان سیاسی به تظاهرات وسیعی دست زدند که با سرکوب شدن بد پلیس مواجه گردید. شعار آنها در قم "الله اکبر" و "درد بر مجاهدین" بوده است \*

\* در روزهای ۲۱ خرداد و چهارم تیرماه، همزمان با اعتصابات خونین کارگران کارخانجات لند و روکاشی سازی ایرانا، سازمان مجاهدین خلق ایران به حمایت از این اعتصابات چند سلسله عملیات، انفجاری و انجام داد. در رابطه با این عملیات و سازمان مجاهدین اطلاعیه نظامی صادر و بسطع وسیعی در میان مردم به خصوص در میان کارگران توزیع نمود \*

## عملیات انفجاری مجاهدین خلق به پشتیبانی از اعتصابات خشم آلود کارگران

چند واحد همیکی از سازمان مجاهدین خلق ایران در چند محفل  
همپگذاری علیه مراکز کارخانجات وابسته به سرمایه داران آمریکائی -  
اسرائیلی و وابستگان ایرانی آنها، شاه خائن و طبقه حاکمه پشتیبانی  
مجاهدین خلق را از مبارزات اوج میزنند. کارگران ایران اعلام داشتند:  
«خصوصاً این عملیات در رابطه با اعتصابات خشم آلود و مقاومت خونین  
کارگران مبارز کارخانجات جیب‌لند، روز وایرانا و اعتراض آنان علیه غارت و  
استثمار سرمایه داران صورت گرفت». این عملیات عبارتند از:

۱ - انفجار پاسگاه ژاندارمری کاروانسرا سنگ در سلطنت سه و پانزده  
دقیقه ۲۹ خرداد ۱۰ این پاسگاه نقش فعالی در سرکوب کارگران داشت  
این انفجار هر چه بیشتر اهمیت ضد کارگری رژیم شاه، جنایتکار آتشکسار  
ساخت.

۲ - انفجار همزمان سه محفل در نمایشگاه و اداره مرکزی شرکت اسرار  
ایرانا واقع در خیابان نادرشاه در سلطنت ۱۲/۳۰ سه شنبه ۱ تیرماه  
در صبح اول هشتاد و هشتاد و نه بوده و برای جلوگیری از وارد شدن خطرات

----- جنگل ----- صفحه ۲۹

جانی مردم کار گذاشته شده بود و مصیبت میروند سم که بخصوص در ساختن  
همه ت میره قرار داده شده بود خسارات فراوانی به بار آورد \*

۳ - انفجار تاسیسات برق کارخانجات اسرائیلی ایران و واقع در  
جاده کرج در ساعت ۴/۳۰ صبح \*

۴ - انفجار وانهدام کامل تاسیسات برق کارخانه جیب لنسور واقع  
در جاده کرج در همان ساعت \*

در کلیه این عملیات بواسطه رهاپت های مجاهدین بخصوص رهاپست  
زمان و مکان انفجار هیچ صدمه ای به کارگران وارد نیامد و مجاهدین نیز  
سال به پایگاه مراجعت نمودند \*

شکوفان باد مبارزات حسی طلبانه کارگران  
نابود باد رژیم ضد خلقی و ضد کارگری شاه جنایتکار  
پیروز باد مبارزه مسلحانه تنها راه رهایی خلق  
سازمان مجاهدین خلق ایران

نیرماه ۱۳۵۲

----- جنگل ----- صفحه ۲۰

توضیح : شرح انتصابات کارخانجات اندر رووکاشی سازی ایران  
بعثت تراکم مطالب در شماره آینده خواهد آمد .

\* در پانزدهم روز ۲۰ مرداد ماه ۵۳ محکم اعدام محمدصادق فاتح  
یزدی صاحب کارخانجات «سوف جهان» بخاطر نقش مؤثری که در کشتار  
کارگران جهان چیت بهسده داشت ، توسط یک واحد از زندگان سازمان  
چریکهای فدائی خلق بهمورد اجراء درآمد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ، بهمین مناسبت یک اعلامیه  
همچنین بد خطابه توضیحی صادر نمود .

اعدام فاتح خونخوار توسط فدائیان و انجام چند سلسله عملیات  
انفجاری در کارخانجات اندر رووکاشی سازی ایران نشان دهنده نقطه  
عطفی در تاریخ مبارزات سپین ما شمار میرود و چون حال گهای اهمیت  
و نتیجه خاصی است که این سازمانهای رزده به نقش طبقه کارگر در  
رهبری مبارزات خلق مامید دهند .

ند  
\* عده زیادی را که دارای سلاح کمری و مسلسل و مواد منفجره بودند  
در زندان دستگیر کرده اند . در میان این عده د نفر کارگزاران بوده اند  
که یکی از آنها در بودن هواپیما در سال ۶۹ به بغداد دست داشته  
است . همچنین اخبار یکی از دهات در زندان بنام «پست» معلوم

که دارای رقبه اسلحه بود و دستگیر میشود .

\* در اوائل اردیبهشت ماه سه اتوبوس ستاری متعلق به آسپا  
را در تهران پارس و مهرآباد و یک جای دیگر تفتقر کرده اند .

\* در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در حوالی میدان قزوین قاتل‌های  
سلحشگر پیکانی را محاصره کرده و راننده را که ظاهری آراسته داشته پیاپی  
میکنند و سپس شروع به جستجوی ماشین می نمایند . راننده خونسردانه  
پیاپی شده و شامش مشغول میشود . در این هنگام موتورسواری از راه  
میروند و راننده ترک موتورنشسته و فرار میکنند . مأمورین دو صندوق عقب  
ماشین اسلحه بدست میآورند .

\* در هنگام سفر فرج‌الکرمان و وی میخواسته به زیتند بروند و در آنجا  
از خانه های کارگران دیدن کند . چون میسر نداشت تا خانه های کارگران  
را با اتوبوس طی کرده ، سه تنی کوترانشی میرواژ میکنند و ده ای  
سلحشگر را که در حوالی جامه سنگر گرفته بودند دستگیر میکنند .

\* اخیراً در بروجرد نقادیری اسلحه کشف و ده ای و حدود ۲۰ نفر  
دستگیر شده اند .

« روزنامه کیهان در تاریخ ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه گزارشی در مورد یک برخورد در مرز ایران و عراق در آذربایجان غربی نوشته بود. منشی براین سروان محمدصادق صادقی فرمانده گروهبان زاندارمی نقشه‌ده و گروهبان یکم آن کوششی که اهل تبریز بود، اند در جریان یک برخورد کشته شده اند. وی واقع امر آنطور که نزد کان، خنولین میگویند از این قرار بود، که ظاهر اگرچه از چرخهای کرد با یک حین نظامی افراد و اندام را بدام انداخته و به قتل رسانده اند. بافته اینان، همه ای نزد سروان صادقی میروند و ادعا میکنند که همه ای از کمان آنها بوده شده اند. وی همراه سه نفر دیگر از اموال زاندارمی سوار حین شد، برای می افتد. این همه در وسط راه با مانعی برخورد میکنند که برای برداشتن آن مانع از پیشین بایی میآیند. در این هنگام از هر سوزن در کنار گلوله قرار میگیرند و چهار نفر (سروان صادقی و گروهبان کوششی و دو زاندارم دیگر) کشته میشوند. سروان صادقی قبل از مرگ جریان را توسط بی سم به اطلاع فرمانده اتی رساند وی قبل از رسیدن کمک، چون کما صحنه محل را ترک میکنند.

مهندس حبیب خسرو شاهی (پسر عموی مجاهدان اسپر مهدی و حسین خسرو شاهی) کارمند تربیت بدنی و مسئول استاد بیم صد هزار نفر آریامهر خود در راه تبیل دستگیر میگرد و وی بر اثر اشتباه قرار در جاده،

## ----- جنگل ----- صفحه ۳۳

ساره نهدد . اورا بجل فرار میاورند تا بطور طبیعی راه برود . موجب  
از فرصت استفاده کرده ، خود را جلو يك کامیون میاندازد که شدت جرم  
میشود . ساواک بخانواده آنها گفته که هنوز در بیمارستان است ولی گفته  
میشود که حتماً سپید شده است . درود بر او ! ضمناً خواهر مهدی خسرو<sup>۹۹</sup>  
نیز دستگیر شده است .

• ازانل ارد بیشت ، يك دانه جوی مدیترت در کرمان دستگیر میشود  
که مسلح به کلت بوده است . در نتیجه ضعیفی که این فرد نشان میداد  
حدود ده نفر دستگیر شده اند . گفته میشود که در قبضه اسلحه د پتر نیز از  
آنها کشف شده است .

• در او اخلارد بیشت در " نهر " فارسیده ای به دوامور گارد  
جنگل و منابع طبیعی حمله برده و هر دو را کشته و سلاحها پشان را که ام - يك  
بوده همان ره کرده اند .

• او اخلریرماه ، در ساعت سه بعد از نیمه شب ، پلیمرگشت یکفررا که  
مورد سوء ظن وی قرار میگردد در خیابان شوروی ایست داده و از او میروند  
که جاسر خواهی بروی ؟ وی جواب میدهد میدان -- سپهر متوجه میشود که  
پلیس قصد بازرسی بدنی او را دارد لذا اقدام به فرار می نماید . پاسهان بهر

او تیراندازی میکند شخصی بنور آتش اسلحه خود با و پاسخ میدهد و در این هنگام آتشگرشنی پلیر خود را در شاه کوهه ای از ترس مطلق میکند . پاسبان نیز جرات تعقیب جدی را نکرده و شخصی بنام علی کاشی که در آن حوالی بوده است خود شپری کشی کرده و بدنهال جوان مسلح می رود تا با و میرسد . وی علی کاشی را از ادامه تعقیب منع کرده و با و هشدار میدهد ولی این تهدید و علی کاشی اثر نمیکند و لذت آن مرد مسلح يك تیر با و شلیک نموده و علی کاشی را از پای در آورده و فرار میکند .

\* ساعت ۹ بعد از ظهر یکشنبه ۲۷ مرداد ماه در انفجاری که در یکی از خانه های پایگاهی جاده دین واقع در خیابان شیخ هادی رخ می دهد و در جاده رزنده سیمین صالحی و لطف الله مینوی زخمی و دستگیر میشوند . انفجار احتمال زهات ناشی از احتمال مدارك بمب در پایگاه موقوف می پیوندد . بلافاصله پس از انفجار به برادر جاهد می رسد لطف الله مینوی که زخمهای سطحی برداشته بود و بدلیل ضربه ناشی از انفجار به حالت بهوش می افتد . خواهر جاهد سیمین صالحی با اینکه زخمی گردیده بوده است چند دقیقه ای را صرف بهوش آوردن لطف الله از یکطرف وادی کردن وضع منزل از طرف دیگر میکند . مردم که تصور می کردند که کپسول گاز ضجیر شده است با بدن شعله های آتش گسیخته ناشی از سوزانده شدن مدارك در خانه تپمی بود آتش نشانی تلفسین

میکنند • یکی د واسبان پست سعی میکنند از روی دیوار خود را بد اخل ضرر  
برسانند که باتهدید اسلحه خواهر جاهد سیمین مواجه شده • عقبگرینی  
کنند • خواهر جاهد سیمین صالحی که وضع را برای ماندن مناسب  
تشخیص نمی دهد اقدام به فرار نموده و بمبادره یک اتومبیل از منطقه  
می گریزد • لیکن مورد تعقیب قرار گرفته و طی دو مرحله درگیری پس از  
زخمی نمودن • نواز تعقیب کنندگان • از جمله د واسبان • دستگیر  
میشود • در طی این عملیات جنگ و گریز این خواهر تبرمان و جاهد  
حماسه ها آفرید و با کمال رشادت و آنطور که شایسته یک مجاهد است  
از خلق خویش دفاع کرد • خواهر جاهد سیمین صالحی در این شرایط  
هفت ماه و نیمه حامله بوده است • رژیم بدنبال سیاست توطئه سکوت  
در مقابل انقلابیون راستین خلق از افشای این واقعه که جریانش در نقاط  
مختلف تهران بین مردم شایع شده خود داری کرده است تا با اصطلاح  
ثبات و امنیت خویش پرانشان دهد و برای اینکه وانمود کند که هیچگونه اتفاقی  
دیگر در ایران وقوع نمی پیوندد و هم اینکه بتواند بدون برگردن گرفتن  
هیچ گونه مسئولیتی • و حسیانه به شکجه این رزندگان قهرمان بپردازد •  
بدنبال انفجار فوق الذکر در همان شب ۲۷ مرداد برادر جاهد  
دیگری بنام محمد ابراهیم جوهری که در جریان انفجار دیگری زخمی شده  
بود در همان حال زخمی سعی میکند که خود را بخانه پایگاه هوش واقف  
در خیابان شیخ هادی برساند که آنجا را در محاصره پلیس می بیند • در

همین حال در اثر شدت خورشیدی و جراحات وارد و بی‌هوش و دست دشمن اسیر می‌شود \*

ما اکنون اعلام می‌کنیم که سه مجاهد قهرمان، سیمین صالحی، محمد ابراهیم جوهری و لطف الله میمنی، هر سه زنده و با جراحات غیر خطرناک در دست دشمن اسیر شده‌اند. لذا مسئولیت بعدی زندگانی و مرگ آنها مستقیماً به گردن رژیم مزدور پهلوی و شاه جنایتکار خواهد بود. شمه ای از زندگانی و مبارزه این سه مجاهد قهرمان را در زیر می‌آوریم:

منوهر مجاهد، سیمین صالحی در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد گردید. \* شش ساله بود که پدرش بدلیل عضویت در سازمان افسران حزب توده بازداشت و مدت پند سال زندانی شد و این جریان در روح حماس خواهران اثرات عمیق گذارد. \* پس از آن پدرش را از ارتش اخراج نمودند و او که هفتد سربشی بود بدنبال استخدام در کارخانجات تند و از جمله کرمان، خراسان و... خانواده را نیز همراه خویش میبرد. \* زندگانی در میان مردم فقیر روستاهای کشور عشق و محبت خلق در این خواهر مجاهد ایجاد کرد. \* دوران تحصیلات عالی به خویش را در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهمن اتمام رسانید، سپس برای گرفتن تخصص در بیمارستان سینای تهران مشغول بکار شد. \* در بیمارستان سینا بود که او پیش از پیش بارشده های اصلی فقر، مریضی و زنج توده ها آشنا شد و کینه انر علیه دشمنان خلق

محتوای عینی و معنی بیشتری یافت • او که همیشه برای بهبود وضع مردم تلاش نموده بود ، با توجه به ظهور و رشد جنبش مسلحانه پیش از پیش با حسن اعتقاد دست یافته که جزئیات بودی رژیم آنها در یک نبرد توده ای هیچ راه دیگری برای رهائی خلق باقی نمانده است •

او دریافته بود که اگر آزادی خلق کاری بزرگ است ولیکن از میان خون و گلوله و آتش میتوان راه بسوی آن کشور و همین دلیل بود که از روی اخلاص و با صداقتی در خور یک انقلابی به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست • اگرچه مدت زمان اندکی بود که در این راه گام گذاشته بود ، لیکن با برخورد قاطع خویش در فعالیتهای مختلف و بخصوص در شیئی که سه حادثه انفجار اتفاق افتاد ، نشان داد که عشقش به خلق و ایمانش به مبارزه مسلحانه خلل ناپذیر است •

• برادر مجاهد ، محمد ابراهیم جوشری در ابتدای شهریور ۱۳۵۰ •

در جریان یورش ساواک به برخی از شبکه های سازمان مجاهدین خلق در دستگیر • پس از یک سال از زندان آزاد گردید • او پس از آزاد شدن از زندان ، هیچگاه دست از خود سازی برنداشته و در حالیکه بظاهر زندگی عادی خویش ادامه میداد ، کوششهای پنهانی برای آماده شدن هر چه بیشتر جهت هائی شدن مینمود • برادر مجاهد ، محمد ابراهیم در زمستان ۱۳۵۱ و تقریباً • ماه پس از آزاد شدن از زندان به همراه د برادر دیگر

شهید محمد وضاسادات خوانساری، شهید هوشمند خاچه ای زندگی  
 مغفول را پندیرا شد هچراکه د پگزندگی علنی رابآن شکل ه مناسب برآ  
 فعالیتهای انقلابی شهید پد وازسوی د پگزسازمان انقلابی پوجود او  
 و فعالیت هرجه بیشترند آکاری اونیاز داشت ه اوجم برادران جهاد  
 پیوست تا وظیفه انقلابی خود را نسبت به خلق و میهنش به بهترین وجه  
 ادا نماید . درود بسراو !

\* برادر مجاهد ، لطف الله میثمی در سال ۱۳۱۹ در اصفهان  
 متولد شد و در سال ۱۳۴۱ از دانشکده فنی دانشگاه تهران ، رشته معدن  
 فارغ التحصیل گردید . او در دوران دانشگاه که مصاف با فعالیتهای  
 سیاسی آنزمان بود در سالانه در مبارزه علیه رژیم شرکت نمود . در سال  
 ۱۳۴۲ د سگیروتحت شکنجه قرار گرفت و به ۸ ماه زندان محکوم شد . پس  
 از آزاد شدن از زندان و درك عمیق این مساله همراه حملهای رفورمیستی و  
 پارلمانی هیچ دردی را از این ملت د وانیکنند ه باین نتیجه رسید که  
 بدون داشتن یک تشکیلات منظم و مضبوط سیاسی ه نظامی اداء مبارزه  
 به روشگی د پریازود به بن بست خواهد رسید . او این تشکیلات را در روز  
 سازمان جهادین خلق ایران تبلور یافته دید و در سال ۱۳۴۹ با شهر و شوق  
 فراوان بسازمان پیوست و منشا خدمات ارزنده ای شد . اوکه در شرکت  
 امنیائی نفت لاران همگی از غارتگران خوشهای نفتی خلق ماست استخدا م شده

----- جنگل ----- صفحه ۳۹

بود، و اولاً حقوقی چند هزار تومانی خود را خالصانه در اختیار سازمان میگذاشت  
ثانیاً اطلاعات نفید و شناسی را در زمینه کار نفوذ برای سازمان جمع آوری  
میکرد و این همه علاوه بر وظائف تشکیلاتی او بود که طبعاً پدید آمدن عضو  
گذارد، میشود. مجاهد اسیر لطف الله در ابتدای شهریور ۱۳۵۰ که  
صادف با یورش پلیسی به زندان تهرانی سازمان بود دستگیر و تا شهریور ۵۲  
در زندان بسربردند و این مدت توانست عملاً بینش انقلابی خویش را افزایش  
دهد. او پس از آزاد شدن دوباره خانواده، همسر و شغل پرورد را پس  
خویش را رها کرده و به زندگی تمام وقت مخفی پیوست تا بتواند فعالانه تردد  
خدمت انقلاب و سازمان در آید. یکبار در یک درگیری در نزدیکی سفارت  
اسرائیل که منجر به دستگیری برادر مجاهد کم رستگار شد، موفق به فرار  
کردید، ولی این بار دلیل ضربه ناشی از انفجار و پییموش شدن همدین  
اینکه بتواند مقاومتی از خود نشان دهد بدست دشمن وحشی اسیر شد.

پس از پیاده شدن به سرد سلیمانیه خلق ایران  
تا بود با دینم سپاه پهلوی و اربابان انگلیسی، آمریکایی و اسرائیلی  
آن  
درود بر تمام زندانیان اسیری که قهرمانانه در زیر شکنجه های رژیم  
شاه مقاومت میکنند.

-----x-x-x-x-x----- اغیار و گزارشات کارگری -----x-x-x-x-x-----

## گزارشی از کارخانه سیتروئن (نیسان)

کارخانه سیتروئن سازنده اتومبیلهای نیان در جاده کرج واقع است . تمام سرمایه کارخانه متعلق به سرمایه دار فرانسویست . مدیر عامل آن شخصی بنام " آلفرد آیه " است . تعداد کارگران این کارخانه در حدود ۱۰۰۰ نفر میباشد . حداقل حقوق کارگران در این کارخانه ۱۱۰ ریال است ( قبل از اجرای قانون وزارت کار صوب ۱۳۰۰ ۸۰ ریال بود ) که از آن ۱۰ درصد بعنوان مختلف ( حق بیمه ، تعاضی ۰۰۰ ) کسر میشود . محصول این کارخانه در هر روز ۵۰ اتومبیل نیان میباشد که بین ۱۶ تا ۱۸ هزار تومان در داخل فروش میرسد . دولت از هر اتومبیل ۳۰۰۰ تومان بعنوان مالیات دریافت نمیکند . جزو تکلیفی قطعات اتومبیل در این کارخانه ساخته میشود . کارگری تعرف نمیکرد که ماه عینه می بینم که کارفرما برای هر اتومبیل بیش از ۸ هزار تومان ( با مالیاتش ) خرج نمیکند و در حقیقت از هر اتومبیل ۶ تا ۸ هزار تومان سود خالص میرسد . در حالیکه این پول ، دسترنج کارمست ( درک استعمار و روابط ظالمانه اجتماعی ) .

حال بعد از این گزارش امتصا به یک در هجمن ماه گذشته در این کارخانه

توسط کارگران انجام گرفت :

کارگران این کارخانه در بهمن ماه سال ۵۲ سه بار دست به اعتصاب زدند که جمعا ۵ روز دست از کار کشیدند . این اعتصابات بدینال بهر نتیجه نرسیدن مذاکرات نمایندگان کارگران با مسئولین امر ( عوامل وزارت کار و کارفرما ) صورت گرفت . شایان ذکر است که این فعالیت ( مذاکرات ) نمایندگان هم که در اثر فشار کارگران صورت گرفته و هدفش دلخوش کردن کارگران و بازداشتن آنان از اعتصاب و ... بوده تا بهر زمان مسئله " درخواستها " از حالت حاد خود کاهش پیدا کند و موضوع ختمی گردد . البته گرایش کارگران و رئیسیت به خط مشی فوق ( حاصل مسالمت آمیز مسئله از طریق سندیکا و اتحادیه و ... ) مزید بولت بود . بهر حال کارگران دست به اعتصاب زدند . از ابعاد و کیفیت این اعتصاب اطلاع زیادی در دست نیست همین قدر معلوم است که کارخانه در حین اعتصابات توسط زاندارها محاصره گردیده ولی درگیری ای به قسوس نبویسته . کارگری تعریف میکرد که من اولین باری بود که چنین اعتصابانی ( سه بار نیست مگر ) را به خود دیدم . درخواست اصلی کارگران ۵ افزایش سود ویژه بودت ۵ ماه بود . ( سال گذشته ۲ ماه سود ویژه به کارگران داده بودند که امسال کارگران به علت بالا رفتن هزینه زندگی ۵ خواهان افزایش آن تا ۵ ماه بودند ) وزارت کار و فشار کارگران کارفرما را ناچار به راهی به پرداخت سود ویژه نمایند ولی کارگران میگویند :

اگر از ۵ ماه بکروزم کمتر باشد مانعی پذیرم • یکی دیگر از تقاضاهای کارگران اخراج رئیس کارکنانی کارخانه به علت امتناعی اش به عنوان کوشاکو از کارگران بود • با این درخواست هم موافقت نمیشود •

نمایندگان کارگران در حین اعتصاب وقتی نزد وزیر کار رفته بودند • وی خطاب به نمایندگان میگوید : • شما ( منظور کارگران ) آید آمدند چه موقع دست پان کارمندان ( اعتصاب ) زده اید ؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته ( اتفاقا اعتصابات باز و خودرو مرزی ایران و عراق صادر شده بود ) • شما با آنان چه فرق دارید ؟ آنان در مرزها اختلالی میکنند و صادر داخل ( صادر ) میشود کسسه چگونه خواسته های صنفی کارگران را با مارک سیاسی میکنند ( ..... شما ( نمایندگان ) پس چکاره هستید ؟ شما می که نتوانید هزار نفر کارگر را آرام نگذارید بدرد نمایندگی نمیخورید • پس بهتر است استعفا بدهید خود را بشوید • •

نمایندگان هم که اکثر از کارگران رفتم بودند همگی استعفا بدهید خود را تسلیم میکنند و از دفتر خارج میشوند • بدینال این جریانات وزارت کار کارگران را تهدید میکند و کارگری که سر کار خود بزرگوار به ازاد هر سال سابقه کارش فقط ۱۵ روز را باز خرید میکند و سپس اخراج می نمایند ( کسی که ۲ سال سابقه کار داشته باشد هنگام اخراج بطور قانونی باید به ازاد هر سال سابقه کارش ۳ ماه باز خرید کرد و در مجموع ۲۱ ماه

میگرد ( کارگران اعتبارا برای اینکه نشان قلع نشود به سرکار خود باز  
میگردند . پس از تصاب وزیر کار کارگران اطلاع میدهند بخاطر عمل غیر  
قانونی آنها و جبران خسارت کارفرما اسامی نفذ يك ماء سود ویژه به شما  
پرساخت میگردد و بعد ۱۵ اسفند خودم ( وزیر کار ) میآیم و آنرا میگردانم (۱)  
پس از آرام شدن اوضاع در کارخانه ساواک امروز بین ۱۰ تا ۲۲ انفور  
از کارگران مبارز از صبح نعلی برای باز منوی و تهدید احضار میگردد تا شاید  
سرنخی بدست آورد و در ضمن آنان رابطه و انفرادی با تهدید از نهالیت  
برای برانداختن و یا شرکت در اعتصابات درآینده باز دارد .

قابل ذکر است که ترکیب نمایندگان از عناصر وابسته بساواک و کارگران  
و فریبست تشکیل شده که در جریان اخیر عده ای از کارگرانی که تمایلات  
شرمیستی داشتند بخاطر عدم موفقیتشان سرخوردند . مثلاً یکی از آنها  
بیگت : \* من غلط بکم ایند نعه نمایند شم \* در اعتصابات  
اخیر ، کارگرانی که با اعتصاب مخالفت میکردند و میخواستند سرکار بروند و  
دیگر کارگران موافق با اعتصاب کتک میخوردند . دلیل کارگران مخالف  
با اعتصاب بخاطر این بود که : \* اعتصاب را کارفرما راه میاندازد تا برای

۱- کیهان ۵۲/۱۲/۱۹ \* ۰۰۰ وزیر کار و امور اجتماعی بیست و دو  
میلیون ریال بود سهم کردن کارگران کارخانجات، سیتروئن راضی يك  
نمره چک بانای رسولیان میباشد نمایند کارگران تسلیم کرد ۰۰۰

-----چنگل----- صفحه ۴۴

ما که می‌خواهیم بطور قانونی ( صالمت‌آمیز ) بنفواسته هایمان هر سه  
سده ای ایجاد کند . بدین صورت که وقتی ما پیروز وزیر کار می‌رویم ، ما بگویند  
چون شما اعتصاب کرده اید و این کارتان برخلاف قانون است شد پس ما  
مخالفت می‌کنیم .\*

در یکی از روزهای اعتصاب پسر از این که وزارت کار را برداشت ۴ ماه  
سود ویژه موافقت می‌کند یکی از نمایندگان رفرمیست ( که احتمال ساواکی  
بودند ضعیف است ) رویه کارگران اعتصابی کرده و می‌گوید : بپایند با  
همین چهار ماه موافقت نمائید و سلاشی شاهنشاه هورا بکشید و هر چه  
سرکار . ناگهان همه کارگران می‌گویند ما نه هورا می‌کنیم نه با چهار ماه  
موافقت می‌کنیم . قابل توجه است که در کارخانه فوق کارفرما مورد تفسیر  
همه کارگران حتی رفرمیست ها میباشد .

از گزارش فوق میتوان پس از جمع بندی مختصر مسائل قابل توجه زیر  
را نتیجه گرفت :

۱ - رشد آگاهی کارگران بر نامه های ضد انگیزه ای رژیم رایج اثر  
می‌گذارد . چنانکه در بالا دیدیم کارگران با سهم شدن در سود ویژه کار  
نه تنها انگیزه‌شان گزیده نشده بلکه با بالا رفتن آگاهی آنان توفعشان  
هم بیشتر گردیده است .

آتشید تضاد خلق با رژیم . محاصره کارخانه توسط ژاندارمها  
( عوامل رژیم ) با ارتباط آن بخدمت موافقت وزارت کار با خواسته های

-----چکال----- صفحه ۴۵

کارگران و ... ماهیت وزارت کار را که همیشه خود را پشتیبان کارگران معرفی می‌نماید ناش میسازد و در نتیجه کارگروه مبنی می بیند که در قسم هدنی جز استشارش بد نیروی، حفظ منابع کارفرماند دارد .

۲ - کم کم کارگری میرد که از طریق مسالت آمیز ( خط مشی و فرمینی ) نمیتواند حقوقش را بگیرد و بدین ترتیب عمل رفورمیستی راه تجربه بی نتیجه و باطل میباشد .

۴ - هدنی که رژیم از اتحادیه و سندیکادارد یعنی کنترل کارخانه بدست خود کارگران ( نمایندگان ) ، تا بوسیله آن چهره ضد مردمی خود را در زیر پرده این باصطلاح نمایندگان حفظ و اهدانش را بوسیله عوامل خود پیاده کند ( سخنان وزیرکار به نمایندگان ) .

۵ - انتصابات بهیابته چند سال اخیر نشانه استثمار و حشانه سستی شرایط زندگی و رشد آگاهی کارگران است .

تبلا بستاد به کیهان مورخ ۱۹/۱۲/۵۲ اشاره کردیم که وزیر کار چکی به مبلغ ۲۲ میلیون ریال بعنوان سود ویژه کارخانه بنمایند کارگران پرداخت کرده است . د رمورد صحت یا سقم این رقم با کارگری صحبت کردیم که وی چنین میگفت تمام ۲۲ میلیون ریال را بین کارگران تقسیم نکردند بلکه مقدار زیادی از آن را بصورت ... انجمنهای زبان فقط به عوامل وزارت کار و کارفرما ( از قبیل نمایندگان وابسته و طرفداران کارفرما و ... ) پرداخت کردند و مابقی را هم صرف وکیل نمودند فقط حدود یک میلیون ریال

آمرابین کارگران تقسیم نمودند ( سود ویژه را معادل دوماه حقوق کارگران داده اند ) موی افزود : بین هزار تومان که دوبرابر حقوق بود پول دادند که بیش از ۷۰۰ تومان آنرا در ایام عید صرف دوا و دکنوزیم کردم . پرسیدم وضع سند پکا نمایندگان در چه حال است او زد زیر خنده و گفت : ای بابا ۰۰۰ کاری که از دستشان ساخته نیست . . . و سپس ادامه داد که دیگر هیچ کارگری نه دکنوزیمخواهد نمایند و نه سود و نه به آن اعتقاد دارد ( وی وقتی در این مورد صحبت میکرد باتمسخر خندید و بکمال راجحان میکرد و این از بی اعتقادی او نسبت باین قهیل فعالین نهائشی میشد ، در حالیکه قبلا وقتی در این زمینه صحبت میکرد کاملا جدی تر و معتقد بنعالتیهای سند پکانی وزیر میستی بود . اکنون فقط شش تنی نمایندگان کارفرما بعنوان نمایند و کارگران در سند پکا هستند و پس . . . لازم بشد که راست که رئیس کارگرنی ( کسی که کارگران خواهان اخراج از کارخانه بودند ) و چند نفر از نمایندگان وابسته که باریس کارگرنی هم مشریند اساسی حدود ۱۰۰ نفر را بعنوان اغلا لگرساواک گزارش کرده بودند که همانطور که گفتیم این کارگران از طرف ساواک احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار میگرفتند .

- اکنون کارخانه نظامی آرام است ولی کارگران کاملا ناراضی اند
- فقط کارفرما میخواهد کار کارگران را دوشیفته بکند ( اکنون یک شیفته است ) ولی کارگران بانظری مخالفند و حاضر به شب کاری نیستند .

## تسا بیج :

۱ - مشاهده میشود که سرمایه دار چگونه پولی را که بصورت سود و بهره از جنگش خارج میشود با فروش ۵۵ اتومبیل و دپاره به جیبش پاشد و میگرداند .

۲ - نساد رژیم باعث عدم اجرای برنامه های ضد انگیزه ای اشی میگردد و بالتجیه رژیم همواره با تضاد فوق و زیر و است و نمیتواند برنامه ها ضد انگیزه ای و ۰۰۰ را آنطور که هدف طراحان آنست بهیچون اجرا بگذارد و دادن شعار و عدم قدرت اجرای آن از طرف رژیم غمخود انگیزه ای برای توده هاست .

## \* گزارشی از کارخانه ریسندگی و بافندگی آذر \*

این کارخانه در سه کیلومتری شهر اصفهان قرار گرفته که گفته میشود حاج کنباسی صاحب آن است ( چند برادر هستند که یکی از آنها اداره امور کارخانه را بدست گرفته است ) این کارخانه تقریباً ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ کارگر دارد که در سه شیفت کار میکنند . حدود ۵۰ نفر با وجود خصوصیه با واتیوس که از طرف کارخانه در اختیار کارگران قرار گرفته است و آمد میکنند

## ----- جنگل ----- صفحه ۴۸

که یکی از اتومبیلها آنقدر بر می شود که حتی جای ایستادن هم نیست •  
 اگر کارگران را به جای کمتر از ۱۶ سال تشکیل می دهند • افراد  
 بیشتر از ۱۶ سال را استخدام نمی کنند و با افزایش سن مود سر بازی و کارخان  
 آنها را اخراج می کند • یکی از کارگران خود سال می گفت • من خودم پس  
 یارتی بازی و اینطرف و آنطرف زدن توانستم استخدام شوم •  
 مزد بکه الان پس از دو سال بمن می دهند ۶۵ ریال است که • ریال  
 آنرا هم بهمه بر میدارد و این همان مبلغی است که کارگزارانند امید آنست  
 به کارگزاران روز چهارده دنان با ارزش ۸ ریال می دهند که غالباً خمس  
 است • بکارگران از ۱۸ سال به بالا ۸ عدد دنان می دهند • کارگران تازه  
 وارد بهجت عدم آشنائی با محیط بکارشای سخت گماشته میشوند • بیشتر  
 کارگران بهجه هستند و افراد مسن همانهایی هستند که از قبل در کارخانه  
 کار می کرده اند • ۸ - ۷ سال پس دو همین کارخانه ۱۲ ساعت کار  
 ۳۵ تا ۴۰ ریال مزد داشت • این کارگزاران کرده که این کارخانه غایبه  
 ندارد • اصلاً آدم کاریاد نمیگردد • اگر از کارخانه اخراج شد اصلاً کاری  
 بک نیست که بکند • با این حقوق کم اضافه کار هم ندارد • تعطیلی ما  
 فقط تعطیلات رسمی است که در تقویم معین شده و برای عید نوروز فقط  
 یک روز تعطیلی داریم • در روزهای تعطیلی مزد پرداخت میشود •  
 این کارگری که • ما کارگرها بیشتر بهجه های دهاتی هستیم و زده برای  
 کار بهرآمده ایم و اصلاً شهری حاضر نمیشود با روزی ۶ تومان کار کند •  
 آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## ۵. خبری از کارخانه کش پستال

چندی پیش مهندس سی پامانی ۱۴۰۰۰ هزار تومان بنام خوشی در کارخانه کش پلا (۱) استخدام میشود. این مهندس سرانجام جوان تازه آمدن است و اما با کارگرها خوب رفتار میکند و به درد کارگر میرسد و همه سوراخ سبه های کارخانه غذاخوری و ستراج و بهداشت و محیط کار و ... رسیدگی میکند.

در بدو امر با یکتا توری تمام و دوتن از افراد کله گده کارخانه را در جمله مد یرفنی را اخراج میکند.

سرج پان دعوا باید بر کارخانه سه :

بهیورد فرست و ضعیفی که توان کار کردن را از دست داده و پس از این که جوانیش، رون کارخانه شهری شده و عذرش را خواسته و هیچکس بهاو کار نمیداد و برای کار با کارگرنی مراجعه میکند کارگرنی با او جواب نمی دهد و بارها دعوائی کارگری پیش این مهندس می آید و از او حق های کارمیشو مهندسخوشی ایراد و باره بکارگرنی معرفی کرد ولی کارگرنی جوابا میدهد : مد پیرکارخانه میگوید که این را نباید استخدام کنیم. مهندس خوشی میگوید : مد پیرکارخانه که خورد و باید او استخدام شود. کیانی رئیس کارگرنی ماجرا باید پیرکارخانه میگوید مد پیرکارخانه بها

---

۱ - این کارخانه سه کارخانه پترومته لوز، چهار برادر رنایهای دماش و مدمن و نامر و شهرواست.

----- چنگل ----- صفحه ۵۵

مهربانیت میگوید: "دروازه آمده چه غلطها میکنه" و در همین اثنا میاید که بروند بکارگزینی. در راه باهمند سرخوشی برخوردار میکنند و سپس از مقداری فحش و خجش کاری و سوار کسیدن، مدبر کارخانه میگوید:

"پاالله برو بیرون و..." و همند سرخوشی در جواب میگوید: "که خودت خوردی و باید تو بیرون بروی و..." در همین اثنا، بکارگرها اشاره می کند و میگوید این مادر فلان را ببیند از بد بیرون. کارگرها بادل و جان حرفش را می پذیرند و سی چهل نفر در حالیکه <sup>اول</sup> جل میدهند از کارخانه بیرونش میکنند. این مدبر آدم بدی بود. بدرد کارگرنان میرسد و بیگفت تمام کارگرها اینکه استخدام میشوند باید باگروه باشند یعنی نیروی جوانیشان را از دست ندادند باشند و بکارت آنها را برداریم و...

آخرالمرایا واسطه شدن رئیس کارخانه و استخدام این پیر مرد، مدبر کارخانه به رکارتش بر میگردد.

### • اختصایات کارگران شرکت نفست

روز پنجشنبه ۱۳/۱۲/۵۲ از طرف شرکت آگهی میشود که ایام عید فقط سه روز تعطیل است چند نفر از کارگران شروع به اعتراض میکنند که چطورا یاداش نمیدهند عیدی نمیدهند. و حتی که تعداد آنها ۱۰ نفر میرسد شرکت آنها را بیرون میکند. در محیط کار یکی از کارگران صوتی میزنند این ترتیب بقیه کارگران را خبر میکنند حد و پنج هزار نفر از کارگران جمع شده و یکی برای آنها صحبت میکند و خواستهایشان را در مورد یاداش و چیزهای

## ----- چنگل ----- صفحه ۵۱

د یوگریان می‌کند. همه کارگران دست به اعتصاب می‌زنند و مدت سه روز به محل کار می‌روند ولی کار نمی‌کنند. روز یکشنبه ۲۶ اسفند شرکت پراپسان سرویس نمی‌فرستد و آنها در نقطه ای جمع شده و پیاده شروع به حرکت می‌کند. بعد یک ساعت برای آنها صحبت می‌کند که با اعتراض و فحشهای کارگران ساکت می‌شود. کارگران سپس خواهشهای خود را در پنج ماده نوشته و کتابچه زیر اختتام می‌کنند:

- ۱ - ۲۰٪ اضافه حقوق ۲ - سرویس نظم تاد و رتبه‌ن نقطه شهر
- ۳ - اضافه دستمزد که در قرارداد برای کارگرانی که در ارتفاع پنج متر بالاتر کار می‌کنند قید شده است. ۴ - پاداش ۵ - قبل از کار کسری پنجشنبه یا شنبه را تعطیل می‌کند حقوق جمعه را معیشت
- بعد از تعطیل نوروز قرارداد نمایند و شرکت نفت نطق کند که کارگران از کار کردن خودداری کردند و نمایند شرکت هم نتوانست کاری از پیش ببرد.

«چندی قبل (قبل از عهد ۵۳) پلیسهای شرکت نفت در آبادان دست به اعتصاب زدند که اعتصاب آنها سرکوب شد. عده ای کتک خوردند و ده ای دستگیر شدند که هنوز آزاد نگردیده اند.

توضیح راجع به پلیسهای شرکت نفت

در حقیقت این ده پلیس نیستند بلکه نگهبان هستند که دارای مرکزی بنام حفاظت میباشند و کار آنها نگهبانی از تاسیسات شرکت نفت و منازل

----- جنگل ----- صفحه ۲۰۲

اسکله ها ، پالایشگاه ، کارخانه ها و ... است . هیچگونه دیسک اطلاعاتی و طبیسی ندارند و تنها کدر العمل آنها در مواقع خطر ، تلقین کردن باداره حفاظت میباشد . این عده از قشرهای زحمتکش و محروم کارگران شرکت نفت هستند . حقوق و مزایای آنها کم و مسئولیتشان زیاد است و ساعات کارشان درست مانند کارکنان شرکت نفت میباشد .

• کارگران پالایشگاه تهران در اوایل خرداد ماه دست از کار کشیده و زیر سائن اجتماع میکنند . پس از این عمل نمایندگان کارگران و هیأت تدبیر سند پیکای کارگران حاضر در محفل همکاری آنها با کارگران ، مورد توجه و تهدید واقع میشوند . همچنین از آنها عهده گرفته میشود که در انحصار کارگران اخلال نموده آنها را با محبت و صحبت روغن کردن موالب و غیره کار آنها را مجبور نمایند که به سرکار خود بازگردند . آنها نیز در محل اجتماع کارگران حاضر و یکی از افراد سند پیکایم بد الله خسرو شاهی برای آنها صحبت میکند و در ضمن اتمام حجت میباید که تا آخر اسفند تغییر در وضع و حقوق کارگران داده نخواهد شد ، ولی باین توجهی و مخالفت کارگران برپا میشود . پس از این فرار میشود که حرکتین و کارگران مورد اعتدال و شناخته شده به ساواک معرفی و بقیه تهدید با خراج شوند .

-----x----- اخبار و گزارشات روستائی -----x-----x-----x-----x-----

### گزارش کوتاهی از روستای اندکا

روستای اندکا در بنجاه کیلومتری مسجد سلیمان و در فاصله این شهر و کوه‌های زردکوه بختیاری واقع شده است . این روستا و سراسر ناحیه دشت اندکا جزء منطقه قشلاقی عشایر بختیاری است . خاک آن حاصلخیز و برای کشاورزی و دامداری بسیار مناسب است . اما با وجود آنکه رود کارون یعنی برآب‌ترین رود ایران از حوالی آن می‌گذرد کشاورزی آن به صورت نیم کاری است و در سالها شیکه باران کافی نباشد کشاورزی ناممکن و دامپاشان از قوت کاهوت نیز محروم هستند .

از آنجا که این روستا ۶۰ سال اخیر مردود زاد و جوان‌های آنکه مسجد سلیمان شهری توده و از نزدیک شاهد بغارت رفتن و سرانجام بهایمان رسیدن ذخایر نفتی این ناحیه از کشور استعمارزده ایران بود ، است ، لذا اطلاع از وضع زندگی ساکنین این روستا برای پی بردن به اهمیت غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و انگلیس و همچنین برای مشاهده ثمرات انقلاب سفید مفید و آموزنده خواهد بود .

اندکارا میتوان پایگاه روستائی دانست که از دهات اطراف بسیاری خرید و فروش بانه مسجد سلیمان هستند . این روستائیان در اوائل

## ----- جنگل ----- صفحه ۵۴

نورودین و تیل از حرکت بسوی ضائق بیلاتی خود در خوارکوهستانهای  
 زردکوه و ناحیه چهارمحال، بختیاری، ابتدا برای مبادله محصولات دامی  
 بدون تطبیق کسک، رغن، پشم، بادام کوبی و... با تاند و چای و  
 پارچه برای کهن بیلاتی خود باین شهر حرکت میکنند.

عشایر اطراف اندک معمولاً با قاضی و زاهدات خرن باین روستا میآیند  
 و من از تنگدانش قاضی و الاغ با وانت خود رابه مسجد سلیمان میرسانند  
 و سر از انجام مبادلات و معاملات خود در مراجعت بازوسيله همین قاضی  
 والاغ در شمار چادرهای عشایری یاد هات سه چهار خانواری خود می  
 شوند. بسیاری از روستائیان فقیر و محرم که قاضی بیل گرایه ماشین هستند  
 غالباً قاضی چیل پنجاه کیلومتری دانات خود را تا مسجد سلیمان با پای  
 پیاده والاغ هات تحیف بار شده از دیان جاده نای صعب السیر کوهستان  
 میآیند. این روستائیان در میز خود بوی مسجد سلیمان اجباراً  
 باید از رودخانه کارون عبور نمایند. مسیر رودخانه کارون در این قسمت  
 از کوههای بختیاری بعلمت شیب بستر نمودارای جریان تند و سریع می  
 میابد. تا چند سال اخیر روستائیان مجبور بودند خود و احشام و کالاهای  
 خود را با قایقهای کوچک از رودخانه عبور دهند و بسیاری اوقات خصوصاً در  
 فصل بهار و یخبندان آب رودخانه بواسطه چپ شدن یا آب بردن قایقها  
 بسیاری از مردم و احشام آنها تلف میشدند.

در دوره ۶۰ ساله فعالیت شرکت نای نفتی غارتگر امنیکا و انگلیس

## ----- جنگل ----- ملحه ۵۵

در مسجد سلیمان چون در آنطرف رودخانه کارون چاه نفتی نبود و بالتبع شرکت نفت دارای شاقعی در آنسوی کارون و در ناحیه دشت اندک نبود از این جهت یک پل معلق آدم رود را بین ناحیه خود داری کرد و در صورتیکه آنجا که برای دست یابی و غارت چاههای نفت دشت لالی عبور از رودخانه کارون لازم میشد در طرف مدت کوتاهی یک پل عظیم و غول پیکر فولادی بروی این رودخانه ایجاد کردند تا مأمورین و سائل نقلیه و حمل تجهیزات تجارت کردن نفت را به سهولت و وسعت از روی رودخانه کارون به سوی دشت لالی عملی سازند و از پنج سال قبل که ساختمان سدی به نام رضانشاه بروی رودخانه کارون و در ناحیه اندک آغاز کردید و ساختمان پل جاده مسجد سلیمان به محل سد عملی گردید و البته ساختمان جاده و هیچ واه غالت مسجد سلیمان به محل سد یعنی در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی مسجد سلیمان و همچنین پل بزرگی که در مسیر این جاده بروی رودخانه کارون ساخته شده تنها به خاطر و حملات ساختمانی سد و حمل و نقل و سائل و تجهیزات سد نمیشد بلکه در پس این پرد و بظاهری برای یک نقشه استعماری و ضد ملی پنهان است و به این معنی که امپریالیسم امپریالیسم و بکثرتی دست نشانده آن در ایران برای برقراری امنیت و ناحیه بختیاری و کنترل عناصر و تحکیم سلطه نظامی و ضد ملی خود بر مردم محروم و محرومین منطقه تصمیم گرفته اند در مسیر کوچ بیلاقی تشلان آنها یک جاده نظامی از مسجد سلیمان باصفهان

ایجاد نمایند . این جاده به بیم ضد ملی و خمد کاه ایران را قاد و خواهد ساخت که به سهولت وسعت به اطاق کوهستانی و حب المهور بلال و تلاقش با یرد است یافته و در صورت بروز شورش های دهقانی و شایری به سوت یابن - تجربه لشکر کشی نماید . هم اکنون نیز با گاه های نظامی ناحیه ای در منطقه چهارم - ال به تیار ایجاد شده است . هدف خاتمانه دیگری که در ساختمان این جاده نظامی برای مردم محرم این ناحیه در سود ارتد اینست که با اسکان اجباری شایر در روستاها و محلهائی که در کنار این جاده خواهند ساخت ، بتوانند فرهنگ اسارت و استعمار را طبق نقشه در این روستاها پیاده نمایند و روستیه سلحشوری و مقاومت و خصلت های ملی و انسانی را در آنها سرکوب و نابود ساخته و تدریج نیرو کار آنها را در رخدست ضایع سرمایه داری وابسته به بیگانه مورد بهره کشی قرار دهند .

تاکنون پنجاه کیلومتر از این جاده از سمت مسجد سلیمان تا اندکاو حدود ۱۲۰ کیلومتر از سمت شهرکرد بطرف کوه مرنگ و زرد کوه بختیاری ساخته شده است و طول کلی این جاده نظامی ۴۰۰ کیلومتر است . با جرسی کامل نشنه های شیم را در مورد منطقه چهارم - ال و بختیاری همچنین همانند چگونگی زندگی و خلایق عشایر روستائیان آن راه بحث جد آگاه ای و آند از سر برده و مجدداً بسراغ وضعیت روستای اندکاو میرویم . این روستا دارای یک پاسگاه و آند از مرزی و چند مغازه و یک دبستان

است • غالب شاکردن این دستان از دهات مجاور می‌آیند •

زمینهای زراعتی این ناحیه اغلب ناهموار و سنگلاخی است و شیوه

کشت آنان دیم کاری است •

مردم این روستا حتی از نظر آب خوردن در حقیقت اند • آب آشامیدنی

قریه " موئگیری " و چند ده اطراف آن عبارت از چشمه ای است کسه

آب آن بسیار اندک و نامیزاست • بر سر این چشمه روستائیان هم لبها من

خود را می‌چسبند و هم آب آشامیدنی بر میدارند •

هر خانه این روستا غالباً شامل دو اتاقک و یک تکه زمین حیاط مائند

برای نگهداری دامها بود • در اطراف عبارت بود از یک چهار دیواری

از تکه تکه های بدون هیچگونه ملاتی بر روی هم چیده شده بود • سقف

آنها از تخته و شاخ و برگ درختان پونیده شده بود •

مانند یک ظهر بود که باین آبادی رسیده بودیم • برای خرید نان

و تنم مرغ بسراغ چند خانه رفتیم • اما همینکه بداخل خانه نگاه کردیم

با ایشان متاخر در آوری از خلالت و بد بختی رو برو میشدیم که از رسیدن

منصرف میشدیم • بالاخره در خانه پنجم • ششمی بود که پسران یکم است

انتظار صاحب آن توانست برای ما بنشیند و تنم مرغ و متداری نان تهیه

کند • مرد روستائی که برای ما تنم مرغ و نان تهیه کرده بود ما را بداخل

منزلش دعوت کرد و در داخل اطراف خانه اش برایمان کلبی پهن کرد •

منظوره در آوری از محبت و بد بختی شاه زدگی هر دو دیوار این کلبه

## \*\*\*\*\* جنگل \*\*\*\*\* صفحه ۵۸

روستائی در هر گنج زوايه آن بهش میخورد . در يك گوشه اطالاسك  
منه پريك پسر چه؟ چند ماهه در حال خواب بود كه كهنی سرور شش با انگار  
از گس پنهانده شده بود در گوشه د بگرونی مشغول شش گیری از سود خشر  
چه چند ساله اش بود .

در این روستا و روستاهای اطراف آن از حمام و ستراج خبری نیست و  
طبق اظهار اهالی، شاید سال تا سال آبی به بدن آنها نخورد زیرا  
كه نه نماز میخوانند تا غسل کنند و نه آبی در دسترس دارند تا بدن غسل  
و استسود دهند اگر آبی پیدا شود بزرگهاف آب میخورند آنها را میدهند .

در خانه دیگری ، يك كودك چند ساله از تب مالا ریا زحمت میکشد و  
حرف بگو بود . پای یکی از روستائیان این قریه بصورت چندش آوری  
وظم شده و هر کس بود . خودش میگفت جانوری نباش زده است .

از دگروسپاه پیدا است اثری نبود . آنها فقط يك بار آمده بودند آن  
م. برای پخش قرصهای ضد بارداری ! نه بد او و مالجه بیماران .

در خانه دیگری وقتی از صاحبخانه راجع بوضع زندگیشان پرسیدیم  
میگفت : " اتفاقا در حال مؤتم " گفتم چرا ؟ گفت چند سال پیش از بانك  
تعمای متداری پول گرفتیم . سال بعدش نتوانستیم سرچود پرداخت  
نمایم و تا همین حالا هفتصد تومانشان را بپردازیم . هفته قبسل  
جیب بانك آمد اینجا و خطاره ای بمن داد كه اگر ظرف يكماه اقدام كنی  
لغو روغانه و ادا مپايتان را طبق میكنم . حال كه من يكشاهی میداد

----- جنگل ----- صفحه ۵۹

آیا نباید بگویم که در حال موتمن ا و دنیال این گفته اش جمعیه ای از

اطاق آورد و اخطار به دادگاه را بجا نشان داد .

مردم این روستا بخاطر شرایط خاص و دشوار کوهستانی دارای روحیه

ملحد شوری و بیادیت هستند و در این مورد هیچک از افراد نمونه مسلمان

و استانیهای ترازانی از دلاوریهای قهرمانان ضد رژیم در این روستاها

دارند .

\* از بهار ۷۰ سال عدّه ای از ماورای وزارت منابع طبیعی و کشاورزی

واردات مختلف گستره و اقدام به سرشاری دامها و مرغ و خروس نموده اند .

این مطلب را که بهان نشبه ۲/۲۳ نیز تایید نموده و نوشت که برای دامها

منطقه صومعه سرانسانها را در میزند . یکی از کشاورزان منطقه استارا

تعمیر میگرد . دولت برای سرگوشند مبلغ ۵۰۰ ریال و مرغ و خروس دامها

۵۰۰ ریال و نیز برای هر ۱۰۰ عدد تخم مرغ تعداد ۵۰۰ ریال بعنوان مالیات

در یافت خواهد کرد . از طرف دیگر آنان را تهدید کرده اند که مطلقاً از

گستر دام و مرغ و خروس و فروش آنها خودداری نمایند .

\* به روستائیان بهرنگار شمال اخطار کرده اند که از سال آینده حق

ندارند محصول خود را به افراد و تجار شخصی بفروشند بلکه باید

کلیه محصولات را به دولت و یا با اجازه و نظارت دولت بفروشند .

==x==x==x== بهاد مجاهد شریک خلی ولسی پور ==x==x==x==

علی ولی پور (۱) در سال ۱۳۳۰ دیده به جهان گشود. کودکی وی در خانواده فقیر روستائی این درده تلخی گذشت. او که نوزدهم دلیخلاق زحمتکش است به علت فقر پیش از حد خانواده اش مانند تمام زحمتکشان از امکانات بسیاری از جمله تحصیل محروم ماند. (۲) او کارگرد و هرچه سازی و مونوپرمیزی شد و در همانجا یادش به "اوستائی" رسید پس از مدتی خانواده لثی برای اقامت به محل دیگری کوچ کردند. اوشان آور خانواده شخص غریبش بود. در آن موقع پیش از مدتی برای او مهم بود که برادران و خواهرانش بتوانند درس بخوانند. اما شرایط سخت فقر و فاقه این اجازه را به آنها نداد. بنابراین مجبور بود خودش خودش را در و چندان کند. (۳) او مدتی هم در سفری کرد و سپس با کوله باری از کینه و غم و تنگدستی به پلایس نزد پدر به خدمت کارگاه تراشکاری درآمد و بالاخره در مدت پنج سال توانست یک تراشکارزبردست شود. اولین دفعه حدود پنج سال پیش با افکار سیاسی عده ای که دو کارخانه بودند آشنا شد. او یکی از دوستانش بهترین افراد کارخانه بودند که نسبت به این شهواتی پیدا کردند (گرومی که چند سال پیش صاحب سه تلویزیونی کردند. محمود صافیان، موسی رادش، بهمن ۰۰۰۰)

بعلت خیانت این عده از آنها مطلع امید کرد و بعد از راتر برخورد با یکی از برادران و گذراندن دوره آموزشی و آزمایش او واسطه تا بهستان ۱۳۰۰ به عضویت سازمان مجاهدین درآمد. دوران فعالیت علی در سازمان، دوران درخشان زندگی اوست. او بلافاصله بعد از عضوگیری منفسی شد و به صورت یک مبارز حرفه ای درآمد.

خصل انقلابی این برادر شهید که در طول دوران شهادت است شامل خود رخنه دانه اش آموخته بود میتواند برای تمام مجاهدین سر مشق قرار گیرد. او از احساس مسئولیت، عمیق و ششنی زیاد نسبت به توده های رنجبر سرشار بود، بطوریکه با مشاهده رنج و سختی یک زحمتکش شدت متاثر شده، کینه عمیق تر نسبت به دشمن افزون میگشت. او حتی روی یک دقیقه، یک ریال نیز حساب باز میکرد. وسائل اطاقش از ۸ تا ۱۰ تومان تجاوز نمیکرد مثلاً جراحی خوراک پزی اش را از میدان سید اسماعیل ۳ تومان خرید، بود.

علی از قاطعیت و شجاعت و سهولت یاد ی برخورد او بود که با خصوصیات دیگرش نظیر گذشت و داناتاری توأم شده باعث میشد که همیشه برای انجام کارهای دشوار پیشقدم باشد و هر کجا خطری باشد خود را جلوی پند از دوا در لحظه آماده شهادت و پذیرش مرگ بود بعد یک مرگ از او فرار میکرد. او در یک آزمایش مواد انفجاری دستش شدت زخمی شد که ضربه قطع یکی از انگشتانش کردید. در بیمارستان بعلت تزریق مسکن قوی متناوباً

بهوش شده و بهوش می‌آید • در فواصل بهوش آمدن مرتب نتوان گذران  
تونی و بهشتیات جیهه‌هاش بود • •

انگیزه علی نون الداده روشن و باز بود • پس از یک بیماری کسسه  
چهارماه اورد رستورانداخته بود و پس از قیام و تسهائی شدید •  
باور نمیشد دیگر نتواند ادامه راه دهد • اما در آخرین روزهایش این  
حرف را زد: " غیب حالا یا باید باید روماد و برادران و خواهر فقیر  
گرسنه ام باشم و یا باید از آنها جدا شوم • ولی مهربان من جدائی  
و انتخاب می‌کم • بنابراین اسلحه ام کجاست ؟ " و وفای خود را به  
تحدید ثبات روحیه قوی خود واداشت • او با وجود یک شیرازه زندگی  
خانواده اش پس از بیست و نه ماه مجاهدین از دم پاشیده شد و مع الوصف  
و حتی نفر خواهرش در دهایی باری پدر و مادرش و غمناکشان را به یاد می  
آورد • کمک بآنها را که از جمله توده های کثیری از خلق مستعیده و مستند  
جزئیات در راه توده محرم نمیدید و زندگی بره وارد رکنا خانواده  
را ظلم و خیانت میدانست • " بگذار خانواده ام در بد رشوند و در آتش  
نفر و گرسنگی بیشتر پسوند اما در عوض خلق برای همیشه نجات یابد • •  
جایند ترمید علی ولی پیر استوار و سارت رانه از درون کتابها و  
حتی مشاهده • بلکه در طول زندگیش با پوست و گوشت خود لمس کرده  
بود و هنگامیکه با کمک سازمان به آگاهی انقلابی نیز مجهز میشد تحریک  
و جوشش شکفت انگیزی نشان میداد • او حلت زندگی گذشته اش بقایائی

اش  
از روحیه لویه‌نی هاشگری داشت که در برخورد های جمعی زندگی سازمانی  
که ملزم به نظم و روحیه تشکیلاتی بود، محل شده بود و حتی تبدیل به نقاط  
قوتی برای او گردیده بود.

جهاهدش بهد علی ولی پور صداتی و اثر داشت بهاد پکران نمزوك و  
بی پرده بود. در ضمن از اشتباهات و اشکالات دیگران نمیکدشت و هیچ  
انتقاد نمیکرد و میگفت: " کسی که ناز پرورده است، کسی که احساس  
مسئولیتی زیاد ندارد و کسی که در صدد رفع اشکالات خود شریعت جایش  
در اینجانبست. " پکرور علی، بهرادی را که ارتباطش قطع شده بود در  
یک موتور سه چرخه میبند و فاصله زیادی را به دنبال این موتور سه چرخه  
میدود تا اینکه آنرا سبک چهارراه متوقف میکند.

جهاهدش بهد علی ولی پور خدمات درخشانی به تشکیم سازمان انجام  
داد و البته خدمت بزرگتر او تاثیر خصائل انقلابی در برادران جهاهدش  
بود، زیرا برای کسانی که با او آشنائی داشتند صفای او، محبت او و  
فداکاری او، نظم و تحرك و شناخت او، نمونه جالب و ارزنده خلق دلیور  
ماست ...

جهاهدش بهد علی ولی پور دارای اعتماد بنفس قابل ملاحظه ای  
بود. هیچ کاری برای او ناشدنی و محال نبود. در تارکری و شروع میکرد  
به بنویس بیابان میرساند و در طی آن تاطعیت و سوت مطعی او کاملاً مشخص  
او و مرکب حزبی را با همان اهمیت کارهای بزرگتر انجام میداد و هیچ اسیر

کوچکی از چشم نیز بین او فروزد از نمیشد او همیشه ضایع جمع را از ضایع  
خود برتر میداشت و در همین حال بی تکلف و بی ادعا بود. • او تپل و زنده  
و صفات پرولتری شده بود.

روزی به نیاز اینکه خبر شهادت برادر مسئولش را شنید و آنچنان  
غمزه و ولول گشته بود که حدی نداشت و از ته دل میخواست او را بی  
ماند و خود تر میرفت.

دشمن در مورد شهادت او سکوت کرد و غافل از آنکه او در دل برادر را  
و خلقش زنده است. • امروز در کارخانه جاده آهنی کارگرانی که صفا  
و صمیمیت ملی را حرم کرده بودند از خودشان میروند: چه کسی او  
را گشت؟ او برای چه شهید شد؟ رفتای کارگر که با تفاق و به خاطر  
آلام و گرسنگی و فقر با وسائل اختراعیشان (چنگک های مخصوص)  
از صبح امام رضا پول در میآوردند همه این کارها را کارگرداشته اند  
و اینک بدنبال اسلحه راه افتاده اند. • مردم روستای او از علی انصاریها  
ساخته اند.

مجاهد شهید علی ولی پور شکست به دشمن کینه داشت که حدی  
نداشت. • او هیچگاه از قمر زهرش غافل نمیدانید زیرا به هر چه میخواست  
اسیر دشمن شود. • در نرنازانه استعمار آموخته بود که هیچ رابطه  
چو انفرادی ای بین او و دشمن امکان پذیر نیست. • مرجه صحت پاساژ  
است یا نه. • در برخورد خود با دشمن نیز با احتمال زیاد از قمر استفاده

کرده و در زیر شکبه های مزدوران ساواک شهید شده است •  
خاطره ات را گرامی میدارم و از ایمان قاطع و خلل ناپذیر و ساهیبر  
صفات انقلابیت درس خواهیم گرفت •

پزشکوه باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق  
بر فرزانه باد پرچم سرخ انقلاب سلحانه خلق ایران  
بهروز باد مبارزات روحانی بخش خلق ما و ساهیبر  
خلقهای متعدد به جهسمان

• مجاهدین خلق ایران •

- 
- ۱ - این شهید که برای بهسازی از برادران ناشناخته ماند و در حدود یکسال پیش در حالی که ارتباط قطع شده بود به علتی که بد رستی معلم نگشته است و دستگیر و شهید میشود •
  - ۲ - در کودکی تا ششم ابتدائی خواند • بعد از رفتن بهای مناسب در خلال کار طاقت فرسا مقداری درس یاد داد •
  - ۳ - برادرانش نیز هنر روشن و روحیه ای قوی داشتند •

يك اگر بايك برابره بود . . .

• معلم پسای تخته داد میزد  
• صورتش از خشمم گلگون بود  
• دستاش بزنوشتن از گردنهایان بود  
• ولی آخر کلاسها ، لواشك بین خود تقسیم میکردند  
• وان یکی در گوشه ای دیگر " جوانان " را ورق میزد  
• برای اینکه به خود های وهوی میکرد و با آن شور و پامان تصاویرهای  
• جبری را نشان میداد  
• با خطی خراب و روی تخته که از ظلمت جو قلب تاريك ظالمان . . . و  
• غمگین بود

• تساوی را چنین نوشت : که يك بايك برابره است  
• از همان شاگردان یکی برخاست همیشه بکفر باید بها بخیزد  
• با آرامی سخن سرداد : لیکن این تساوی اشتباهی فاحش محض است  
• نگاه بچه ها به یکسو با بهت معلم مات بر جاماند و اهر رسید :  
• اگر يك فرد انسان واحد يك بود آیا با يك بايك برابره بود ؟  
• سکوت مد هشی بود و سوالی سخت  
• معلم خشکین فریاد زد آری برابره بود

واو با پوزخندی گفت :

اگر يك فرد انسان واحد يك بود

آنكه زير زور بدامن داشت بالا بود و

آنكه قلبی پاك و دوستی فاقد زرداشت پائین بود ؟

اگر يك فرد انسان واحد يك بود ...

آنكه صورتی نقره گون چون قرص ماه میداشت بالا بود

و آن سیه چرده كه منالید پائین بود ؟

اگر يك فرد انسان واحد يك بود ، این تساوی زهرور میشد .

حال مهرسم اگر يك با يك برابری بود ...

نان و مال خنخوران از کجا آماده میکرد بد ؟

با چه کسی بد را بر جنهارا بنا میکرد ؟

يك اگر با يك برابری بود ...

پس كه پشتش ز زیر پا و فقر خم میشد ؟

با كه زیر هر صفت شلاق له میگشت ؟

يك اگر با يك برابری بود ...

پس چه كس آزادگان را در فقر میگرد ؟

.....

معلم ناله سرداد :

بچه ، ماد و جزوه های خویش را بنویسید كه يك بايك همراهی كنیم .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

==x==x==x==x== اغیار و گزارشات دانشجوئی ==x==x==x==x==

### اعتصاب دانشگاه شیراز

شرایط قبلی و ایجاد انگیزه و شروع اعتصاب :

تقریباً مدت چهار سال بود که درد دانشگاه شیراز هیچ عنوان اعتصاب  
 نداشت. بود . پلیس و ساواک شیراز یاد از خود را سلطه به اوضاع  
 دانشگاه میزدانستند و این اطمینان زیاد مبنی بر وفاداری بود یکی عوامل  
 زیاد ساواک و دیگری خالی نگه داشتن دانشگاه از عناصر متحرک . از  
 این رویداد جوانان تازه وارد درد دانشگاه که هنوز توانسته بودند روحیات  
 مبارزه جوانان خود را حفظ کنند ، همیشه پیش از سایرین که تقریباً  
 افرادی هستند که چندین سال درد دانشگاه تحصیل کرده اند حضور و  
 هیجان نشان میدادند و پیوسته دنبال فرصت برای ایجاد اعتصاب  
 بودند . چندین بار توسط عده ای از آنها تصمیم گرفته شد که به عنوان  
 پشتیبانی مثلاً از دانشجویان تبریز و یا تهران و یا صنعتی دست به اعتصاب  
 بزنند ولی این شعارها بعللی نمیتوانست دانشجویان را تحریک نماید .  
 این علتها عبارتند از : ۱ - نداشتن کادر فعال و متفکر - ۲ - کار دان  
 نبودن افراد موجود ۳ - شرایط اشتغالی شدید ۴ - بالا بودن سطح

## فصاد درد انشگاه •

عده ای از دانشجویان این دانشگاه از طبقات بالا و خوشگذران و ناسد تشکیل شده اند. اما بهر حال افراد پرنسور دانشگاه هنوز به نسیال فرصت بودند تا انحصاب را شروع کنند • یک هفته قبل از انحصاب جشنوه پیام به دانشجویان و انبشارد رفتار کرد دانشگاه صنعتی ( منتشره از طرف مجاهدین ) به طرز وسیع درد انشگاه توزیع شده بود و خواندن این جزوه در امراد روح مبارزه جوئی رازیه کرد و آنهایی که منتظر فرصت بودند جان تازه گرفتند و بالاخره درد انشجویان حالت آمادگی ایجاد شد و مخا خستگی از اوضاع کلی دانشگاه هم در این امر تاثیر زیادی داشت •

روز چهارشنبه دانشجویان سال اول برای دریافت نمرات خود به بخشی زبان مراجعه میکنند و محض مشاهده نمرات شروع به ایراد گرفتن میکنند بصحبت از کمی وقت زیادی شوال و مشکل بودنش پیمان میآید در همین شرایط حمله شد بد به رویه ریش صورت میگردد • درگیری بین آنها شروع میشود و ای فعلا ریش بخشی را شک میزنند و دیگران شروع شکستن میزنند ولی همیشه های ساختمان میکنند • در همین اثنا افسر گارد وارد میشود که مورد حمله دانشجویان قرار میگیرد • در همین حال به بخش شمار اتحاد مبارزه پیروزی و اعتراضاتی علیه بخشی زبان مبادرت میکنند • دانشجویان بعد از شکستن تمام شیشه ها و وسائل در ساختمان در محوطه دانشگاه بد پگران پیوسته و هتکی شروع

میکند به شمار دادن • در ضمن وقت کامیونهای حامل ژاندارم بطور ناگهانی بدرون دانشگاه ریخته و درگیری شدیدی برپا آمد • طی آن تعداد زیادی از دانشجویان زخمی شدند • ژاندارمها سعی کردند که دانشجویان را متفرق سازند و این کار را خود دانشجویان نیز صلاح میدانستند و حرکت ام از دری خارج شدند و دوباره در خیابانهای اطراف مورد حمله سربازان قرار گرفتند • حتی در بعضی از خیابانهای دوازده دانشگاه نیز چنین وضعیتی رخ داد •

#### ادامه اعتصاب :

بعد از پورش و خشیانه افراد ژاندارمری و پلیس و متفرق شدن دانشجویان از محوطه دانشگاه • دانشجویان سوار بر ماشین و طرف خوابگاه باغ ارم برآه افتادند • هنوز اعتصاب همگانی نشده بود و بیشتر افراد سالهای اول و دوم دانشگاه • ادبیات بودند که در اعتصاب مستقیمه حالت داشتند بهر حال دانشجویان در خوابگاه باغ ارم داخل سلف سرور شده و آنجا را تبدیل بیک محوطه کردند • سارا که نمیدانست آنها کجا رفته اند و فکر نمیکرد که دانشجویان در خوابگاه باغ ارم شروع کنند به نصرت خوبی پیتر آمد که دانشجویان بین خودشان تقسیم کار کردند و جمع وسائل نقلیه و حبوسه پرداختند • بعد از چند ساعت که پلیس متوجه شد دانشجویان در باغ ارم تجمع کرده اند دوباره کامیونهای حامل سربازان و اسلحهها به باغ ارم حمله ور شدند • در این جاد رگیری بین آنها شد بدتر بود • دانش

چوپان با وسائلی که تهیه کرده بودند ( مثل آجر و سنگ و چوب ) سرای را  
 را مورد حمله قرار دادند و توانستند دترحماسد اوری دانشگاه در باغ ارم  
 را اشغال کنند و پسر آنرا به آتش بکشند . در همین وقت کلیه مراکز انشک  
 در هر کجای سراز توسط پلیس محاصره شد و این خود يك عامل بسیار خطرناك  
 کننده ای برای دانشجویانی که در رتخانات دخالت داشتند شد و آنها  
 را وارد اردخالت کرد . بالاخره درگیری در کلیه قسمتها شروع شد . ساواک  
 مرتبا افرادی را که پراکنده گبر میآورد دستگیر میکرد . در درگیری مجسده  
 در دانشگاه ان بیات تعداد زیادی از سرازان و پلیس جرح شدند و به  
 طور خلاصه این درگیریها در روز طول کشید که طی آن تعدادی دانشجو  
 و سراز و یاسبان جرح شده به بیمارستان منتقل شدند . و غیر از  
 دانشجویان جرح بنامهای دوشیزه ساداتی و آقای محلاتی در بیمارستان  
 شهید شدند . در همین مدت در روز حدود ۳۵۰ نفر از دانشجویان دست  
 گیر شدند .

کشیون انتصاب بد اخل مردم و شاهجات ساواک :

پلیس در همین چند روز وسیله عوامل شاهجاتی را بین مردم پخش  
 کرده بود . در باغ ارم که دانشجویان را مورد حمله قرار داده بودند  
 گفتند که دانشجویان پسر بخوابگاه دانشجویان دختر حمله کردند و با  
 برای تنبیه آنها حمله میکنم . ولی این شایعه در مردم هیچ اثری  
 نداشت . از طرفی بنا بگفته یکی از سرازان زاندارمری آنها گفته شده

بود که دانشجویان در کتابخانه کلبه فرآینهای آریامهر را آتش زدند و محلت اینکار باید مجازات شوند .

پروچال دانشجویان این بار دست به یک سلسله تظاهرات شهری زدند که در دانشگاه شیراز بساطه بود . آنها بصورت اکپ های کوچک درآمد و در بازار بعضی از خیابانهای اصلی شیراز عنوان کردن شعار " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " چند ساعت پیاده روی کردند و تقریباً مورد استقبال مردم قرار گرفتند . هر چند که شعار آنها برای مردم گفیه بود و کسی نمیدانست که منظور شده و چه میخواهد . اگرچه در بازار موقعیت بسیار مناسبی بود تا کمی با مردم صحبت کنند ولی متأسفانه از آن بهسوت گذشت .

بالاخره نامدتی برنامه این چنین بود تا اینکه پلیس متوجه شد و کنترل کاری تری در شهر برقرار ساخت .

تعداد دستگیرشدگان بیش از ۳۵۰ نفر بود از روز سوم شروع بازاد کردن عده ای نمودند و مقاومت های منفی در بین دانشجویان همگانی بود ، مثلاً هیچکس در هیچ نم حتی از دانشگاه ها برای امتحان نرفت ، دانشگاه مهندس که تقریباً آرام بود و تسلیم کرده بود ، امتحان گرفته خواهد شد دانشجویان به پشتیبانی سایرین از امتحان دادن خود داری نمودند جریانات ، بعد از تقریباً یک هفته فروکش کرد ، و حادثه جالبی رخ نداد و دانشجویان دستگیر شدند ، یکی بعد از دیگری بجز ۱۶-۱۰ نفر آزاد شدند .

----- بنكل ----- صفحه ۷۲

اما ساواک دوباره اقدام بدستگیری وسیع دانشجویان دانشکده مهندسی  
کرد و تعداد زندانیان فعلی در حدود ۲۰ نفر است • از جمله کاشانی •  
مسئول انجمن اسلامی دانشجویان • یوسف زاده محمدی • طالع زاده  
وشتی •

\* واحدی • دانشجوی سال چهارم پلی تکنیک مدنی است که  
دستگیر شده و ساواک برای کسب همکاری • وی راحت فشار قرار داد این  
فشار از منعی که واحدی در سال اول برای گرفتن وام بدانشکده مراجعه  
کرده تاکنون ادامه دارد • یکبار هم يك چك دو هزار تومانی به خانه اش  
فرستاده اند که مادر وی قبول نکرد • است •

\* روز چهارشنبه ۱۵ خرداد تعدادی اعلامیه دردانشکده های  
مختلف دانشگاه تبریز پخش شده است •

\* در روز سه شنبه ۲۱ خرداد دانشجویان دانشکده فنی تهران  
بخطاردستگیری چهار نفر از رفقایشان اعتصاب کرده مستخدم ساواکی  
دانشکده راشد يد اکتک میزنند که با آمبولانس اورا به بیمارستان بردند  
این اعتصاب تا مدتی طولانی ادامه داشته است •

\* شب سه خرداد دانشجویان با شکستن شیشه های سالن

----- جنگل ----- صفحه ۷۴

دانشکده ای وارد آن شده و شعارها بی باحرف، بسیار دشت بطوریکه  
سراسر دیوار الم را فرا گرفته بودند. بهیچ که مامورین مطلع می  
شوند برای پاک کردن شعارها عده زیادی بکار میگذارند ولی چون همان  
روز بزمه دیدار شمس از دانشکاه بود روی دیوارها را رنگ میزنند و جلوی  
آنها کوری بندند تا کاملاً از نظر مخفی بماند.

\* دانشجویان دانشکده علم در خورد ادماه بدنهال دستگیری  
استاد کامیوتر اعتصاب نموده و از شرکت در جلسه امتحان خود داری کردند

شعار: " اخراج کامل کار مزدور دانشکاهها "

شعار: " قطع کامل هرگونه نفوذ پلیسی در دانشکاهها "

باید بعنوان اولین و قدماقی ترین ضمون هر درخواست

ممنی - سیاسی در دستور بازات دانشجویی این مرحله

تراجیکرد \*

\* نقل از اطلاعاتیه سیاسی - نظامی شماره ۱۸

سازمان مجاهدین خلق ایران \*

××××× اخبار و گزارشات روحانیت ×××××

\* حجت الاسلام آقای عبد الله مجاهدی کرمانشاهی مدتی تحت تعقیب و فراری بوده است . در این مدت مایشین سازان کرمانشاه عمدتاً باید رایشان تصادف میکند و وی پشیمادات میرسد . در اوائل تیرماه یک مجسمه وحشیانه به درسه " حجتیه " تم آقای مجاهدی دستگیر و روانه زندان میشوند . اتهام وی فروختن رساله حضرت آیت الله العظمی خمینی بوده است .

• بناسبت مسافرت اخیر شاه بشهد ، اعلامیه ای شامل فوارها  
از کلمات آیت الله العظمی خمینی و جماعت دین در اکثر نقاط شهد منتشر  
میشود . در این رابطه مزدوران رژیم ، بسیاری از اشخاص با سابقه را  
بصرف احتمال ، بازداشت و یا تحت پیگرد قرار میدهند . از جمله بمنزل  
حجت الاسلام آقای محسن دهاگو که اهل تربت حیدریه میباشد مجرم  
برده و چون ایشان نمونه خانوادۀ « بیمار را بازداشت میکنند و سر از چند  
روزنوهین و آزار و آزاراد ساخته و سپس رموی ایشان را بعنوان گروگان باز  
داشت میکنند . آقای صادق کشمیری هم در رابطه با همین امور در شهد

باز داشت و مورد شکجه قرار گرفته است \*

\* در مسجد جاوید تهران ، نویسنده و گوینده متعدد حجت الاسلام  
آقای سیدعلی خامنه ای برای ۱۰ شب سخنرانی دعوت شده بود \* مزدور  
و هم از اعتقاد جمال‌السن سخنرانی ایشان بشدت جلوگیری بعمل می‌آورند \*  
چندی پیش از آن ، مسجد ایشان در مشهد که پایگاه عناصر و ان روشنفکر  
مذهبی است ، تعطیل کرده و هنوز بحالت تعطیل است \*

\* حجت الاسلام آقای لاهوتی رادتی است باخانای فرزندان اشجری  
ایشان ، دستگیروندانی ساخته اند \* از جمله شکجه های آنان هشتاد  
ستمرمینی براینکه بایستی ایشان ، فرزندان را با شلاق کتک بزنند  
و چون ایشان از چنین عملی خود داری کرده فشارهای بیشتری برآنان  
وارد آورده اند \*

\* واحد متعدد آقای گجه ای را برای دوسون بار س از دستخترانی  
ارزند ، در قم ویزد دستگیر و شدت مورد آزار و شکجه قرار داده اند \*

\* روحانی پرنسور و متعدد آقای محمد جعفری رود سرلی که به نویسنده  
شیراز تبعید شده بود ، به هم شیراز تبعید میکنند و س از مدتی ایشان را از

تبعیدگاه دستگیر و اکنون در زندان تهران بسر میبرند \*

\* حال آیت الله ربانی شیرازی در زندان خوب نیست و مزدوران  
روزم از رسیدگی لازم خودداری میکنند \* ایشان به سه سال زندان محکوم  
شده اند \*

\* روحانی متعهد آقای عبد المجید معاد یخواه \* مدتی است که از  
تبعیدگاه غنی کبد تا بورد سنگر و هم اکنون در زندان قصر تهران بسر میبرند

\* منزل آیت الله طالقانی در تهران در محله ره\* شده و مزدوران  
شاه است و ایشان در منزل خود بصورت نیمه زندانی درآمده اند \*

\* حجت الاسلام آقای خزاعی خراسانی را بازداشت و در زندان بسر  
میبرند \* از اتهام ایشان اطلاعی در دست نیست \*

\* حجت الاسلام آقای حسن زاده خراسانی و آقای متینی بندها<sup>سی</sup>  
مدتی است که در زندان بسر میبرند \*

===== اخبار و گزارشات =====

\* اخیراً پرسشنامه ای در زمینه معلمان و دبیران مدارس ارائه شده که آنرا پر کنند . بعضی از معلمان این پرسشنامه را از جانب ساواک تلقی کرده اند و برخی تلقی از ناپایی جهت اضافه حقوق از آن دارند . ولی بنظر میرسد که چنین پرسشنامه ای مزایای زیادی تری برای ساواک داشته باشد تا موسسات فرهنگی . در واقع از مجموعه سوالات خدج درایسن پرسشنامه میتوان میزان صرف و تحلیل فرهنگیان را در سرمایه داری و میزان وابستگی احتمالی آنان را به بازار و ریاست و در صورت لزوم آنان را به موقع کنترل کرد . اکنون مضمین سوالات را در زیر میآوریم .

— نام ، نام خانوادگی

— تعداد و سن فرزندان و شغل آنان

— درآمد شما و همسران چقدر است ؟

— مخارج شما در چه حد و است ؟

— در کجا زندگی میکنید : الف . خانه اجاره ای

ب . آپارتمان شخصی

ج . خانه مستقل

د . منزل اقوام

— ضایع درآمدتان ؟

— باجه وسیله ای بحمل کارتان رفت و آمد میکند : الف • بهاده

ب • تانکی

ج • کرایه

د • ماشین شخصی

ه • ماشین دوست

و اقوام

— رفت و آمد بحمل کار چند رازقت شمارا میگیرد ؟

— تلنیزون ، رادیو ، پنجهال ، اجاق ، ماشین رختشویی ، گاز ،

کولر ، حمام و ... دارید ؟

— کلفت استخدام کرد اید ؟ حقوق آنان چقدر است ؟

— اوقات اضافیتان را در کجا چگونه میگذرانید ؟ ورزش ، تفریح ،

کونکورسی ، مطالعه ( چه نوع مطالعه ؟ ) گلوپ ؟ چه کلوپهایی ؟ خیمه

گلهوزی و ...

— ماهانه چند ریاضت اقساط میپردازید ؟

— از مرخصیتان برای چه کارهایی استفاده میکنید ؟

الف • کار شخصی

ب • مسافرت

ج • زیارت

د • تفریح

\* اخیرا بین افراد ارتشی لیستی مرکب از نام ۳۷۷ کتاب منتشر شده

است که بکادرهای ارتشی ابلاغ شده است که از داشتن و خواندن این

کتابها خود داری و رزند • کتابهایی که در این لیست آمده از این قبیل است : کتابهای مهندسی بازرگان ، دکترین مثنی ، مذهب فی زمانه ، آل احمد ، محمد محمود ، آیت الله خمینی ، آیت الله طالقانی ، هاشمی رفسنجانی ، هارانی ، محمد بهرنگی ، فلاحتی ، حسین سعیدی ، ملک لندن ، ژان لافیت ، کورکی ، مارکس ، انگلس ، ملین ، استالین ، مائو ، لئو شاترچی ، رهنمون کتابهایی نظیر الجزایر مردان مجاهد ( حسن صدر ) ، سحری ، ( م - آرم ) ، فراماسیونی ( اسمعیل رائیمن ) ، شیعه گری ( کسروی ) ، مجله اندیشه و هنر و کتابهای مربوط به تمام •

\* گزارش زیر به راه ترازوی نم انگیزتت زن وجه ، ما و خود کسی کارمند تبریزی ، واقع در خیابان مارالان تبریز که انعکاس وسیعی در سراسر ایران پیدا کرد و در حقیقت یک اعتراض مظلومانه و یک عکس العمل نمودند در برابر رژیم بود ، میباشد •

از طرف رو ، سایش باین فرد که یک آدم متدین و سرزیر کارش درون پایه اداره آب و برق تبریز بود گفته میشد که اگر بتواند مدتی سوم متوسط را بگیرد یک شغل مناسب را حقوق مگسی با و داده خواهد شد • وی پسرای رهشانی از جنگال نقره ، شبها به تحصیلات خود ادامه میداد ، غافل از این که همین پوست به یکی از نزدیکان جناب رئیس داده شده و در مقابل اعتراض این

## ----- جنگل ----- صفحه ۸۹

نمود، رئیس اداره رستارخسخت آمیزی، در پیش میگرد و فردای همان روز، استعفانامه<sup>۱</sup> این فرد منظم را بدستش میدهند و او را به بهانه بی نظمی اخراج میکنند. او که بدنبال این خیانت، بزرگ و حقور، اندک خود را نیز از دست رفته می بیند برای گرفتن حق خویش، تمام مقامات متوسل میشود، ولی طبق معمول هیچکس امتیازی با او نمیکند و حتی بدربار هم متوسل نشده نتیجه ای نمیکرد او آتای، قاضی طباطبائی ( پکی از روحانیو تهریز ) و آتای شریعتشنداری در تم نیز متوسل میشود و از طرف آنان کمکهای نیز میاومیشود. چند ماه پس از برکناری، و تقربندی این مرد شجول و متدین باج خود میرسد و تمام تلاشهای وی در این نه ماه برای پید ا کردن کارهای نتیجه میماند و تا اینکه بالاخره با عسر و محنت تصمیم میگیرند برای روحانی از فشار و قهر و ستم، و بزدگی خود و فرزندانش خاتمه دهند و همانطور که همه میدانند او بزدگی عسر و محنت گشگان را پایان میدهند. بدین ترتیب که شلست <sup>۱</sup> بعد از نیمه شب، اول زش را در خواب، سر میرود و بعد فرزندانش را، سپس بنوشتن شعار با خون بهجه میاثر که در گاسه ای جمع کرده بود روی دیوارها تا ظهیر ادامه میدهند و حتی از خانه بیرون آتد و از قالی کاغذنامه خرید و چند نامه هم با نون مینویسد و بعد از بنوشتن نامه ها، خود را حلقی آویز میکند. البته تمام این جزئیات و افراد ی که نامه های منور را قبل از آمدن پلیس و ماموران ساواک دیدند و خوانده بودند نقل میگردند.

پاسبانی که خود را این خانه را دیده بود نقل میکرد که در روی دیوار  
خانه باخون جملاتی نوشته بود که مضمونش این بود: "آریا مهر بخود  
لاف مزن ماکرمته ایم" ، "آریا مهر بخود لاف مزن" ، "پیاپین که ملت  
در چه حالی زندگی میکند" ، "از محوستان و هشتبهان عزیزم تقاضا  
دارم که از آریا مهر خواهند تا از این تنگناهد بدن کند" . . . . .

یکی از خبرنگاران که همان روز واقعه ماوالان ، آنجا بوده ، میگوید  
که مامورین ساواک و پلیس شهرستانی نوی خانه بودند و نسی را راه نمیدادند  
حتی دوشتر از خبرنگاران را که زورکی وارد شده بودند ، بانک و توضیح  
بیین کردند ، که چرایی اجازه وارد شده اند ، وی اضافه میکند که بعد  
از پاک کردن دیوارهای خانه اجازه حکمبرداری دادند .

\* جاعده اسیر ، ابراهیم آخ که از ناحیه گوش ناراحتی پیدا کرده  
بود ، ( علت ناراحتی بر اثر شکجه ، های ساواک بوده که پرده گوشش  
پاره شده ، چرک کرده بود و هرک بروی تمام بدنش اثر گذاشته و حالت  
درد آوری بصری میرسد ) بر اثر فشار و تهدید برادران زندانی دادرسی  
احتمال ، زندانبانان جبری عمل میشوند . گفته میشود بعد از عمل هنوز  
خوشتریش بدن نیامده و حالش خوب نیست .

\* یکی از کارندان بانک همه بازوگانان که اخیراً عمل شده ، و

اداره امور آذربایجان ملی ایران بهیچده گرفته است و تعریف میکند :

« علت انحلال بانک عدم توافق مدیر عامل با دستگاه بود (۴) زیرا

وقتی رأی‌ها را بایران آمد و میخواست در بانکها، ایران در سرمایه گذاری  
شریک شود بدین حال این بانک پیشنهاد کرد که شریک شود، ولی مدیر  
عامل نپذیرفت، چرا که اولاً استقلال را از دست میداد و ثانیاً سود سرشار  
آذربایجان را با بنگران تقسیم میکرد. این غلطی را کرده است. سودی که  
مدیر عامل از این بانک برده است، به حساب استعدیلش هم اینست که

خانه ای در زعفرانیه ساخته است که در حدود ۱۸ میلیون تومان خرج

ساختمان آن کرده است و فقط در میلیون تومان خرج کجبری آن شده است

خلاف به یک ساختمان است که نپذیرندارد. پارسال که برادرش از آمریکا

آمد یک میهمانی خفیل در آن منزل داد. گذشته از این زمینهای

زیادی دارد که همه از سود بانک است.

مدیر عامل برای قرار مالیات و عوارض، هزینه های جنگشی سند سازی

کرده است. مثلاً ما که نه دکتر داریم نه بیمه هستیم نه بهداشتی داریم

تیباً ۲۰۰ هزار تومان بعنوان هزینه کلنگاری، بهداشتی بانک، صورت

داده است.

محیط زیست : به احتمال زیاد محیط زیست که ادارای

است تازه تأسیس، شبیه ای از ساواک است و بدلائل زیر :

اولا یکی از افرادی که میخواست در این اداره استخدام شود، به سه محلی که در آنمسی استخدام معین کرده بودند میروید و هر چه از نون تا روستا خدمت و سایر مشاغل این شغل میبرد جواب درستی میدهد و میگویند باید ۶ ماه دوره ببینی و در این مدت آخرت میدهد\* ماست و بعد از ۶ ماه حقوق زیادی بشما خواهند داد\* پیر، مال آورد ۱۵ روز در جنگلهای شمالی با مخلوط دره میدیده است و در این مدت روزانه باید با چندین کیلو بار کیلومترها راه را ولی کند بدون اینکه لب بخورد و آب بزند خلاصه تمیسات سخت علی بآنها میدادند\* روزی در حال پیاده روی یکی از مامورین می اختیار میگردد اینجا جایی است که سیاهکلی خارا گرفتار ساختیم و بعد بلا فاصله پشیمان میشوند و قولا میگردد که این حرف را بازگو نکنند\*  
ثانیا\* همین چند روز ادویریکی از دانشجویان زندانی که آزاد شده بود میگفت\* نگران افراد محیط زیست\* مامور مشکجه شده اند و در کمپته مشغول کار شده اند\*

\* شخصی میگفت منی بوس حامل چند نفر که بسوی سیستان می رفت چپ میشود و مسافران اغلب زخمی میشوند\* محل حادثه در نزد یک پلی بود\* است\* از طرف ژاندارمری و ساواک برای معاینه محل میآیند و همه آنها را بساواک میبرند با اینکه زخمی بوده اند و دست و پایشان شکسته بوده کتک منعلی بآنها میزنند و میبرند که قصد داشتید کجا بروید نام و نشانی

شما چیست و غیره ... بعضی از آنها که منزلشان در تهران بوده است  
منزلشان را بازاری می کنند چون مورد شکوکی نمی باشد آنها را آزاد می  
کنند .

« یک نفر نقل می کرد که در زیستان گذشته شی میهمان خیابان سی

(پارنده امتحان بکان ) بودم .

وقتی وارد کاخ و قدم بعد از ای از روسا بودم که توسط آنها به قسم  
دعوت شده بودم . منزلی تشریفاتی مثل کاخ خزان و کتب بود . بعد  
از تشریفات خیلی مفضل وارد یک سالن بسیار بزرگ و بزرگ شدم که  
یک رودخانه منتهی از وسط آن عبور می کرد و داخل آن ماهیهای رنگارنگ  
و در طرف آن چمن زیبا و گلها ، بسیار رنگارنگ گشته بودند و کاروان آنها  
دسته های مختلف مرکب از به لب و لب از قبیل نوشیدن مشروبات مخمر  
و قمارهای گوناگون زنان زیبای هرزه مشغول بودند . مدعین هم در یکی  
رهاز به طرف کشور بودند و در آن شب دیدم که جعفر اینباد به شسته  
میز قمار و مشروبات سرنوشت مردم را تعیین کرده و کارهای ششای حساس  
سلطنت را بهین خود واقوام خوبتر تقسیم می کنند .

« گفته میشود در یازده اشتباه گفته ( شهربانی ) ۸۰۰ نفر

زندانی وجود دارد و هنوز با وجود ایشان تمام نشده است . همچنین در

----- جنگل ----- صفحه ۸۶

زند ان قصر محدود ۹۰۰ نفر هستند که ۳۰۰ نفر آنها دارای حکومتیهای  
از سه سال بالا ( تا ابد ) میباشد و در بند های ۴ و ۵ و ۶ هستند .  
۱۰۰ نفر قبیله در بند های ۱ و ۲ و ۳ هستند . در قصر وضع آنها از نظر  
هذا بد نیست ولیکن از لحاظ دیگر چون کتاب و بازاری های بسیار داشته  
بعضی میآورند . نیز گفته میشود که میتوانند تمام محکومین را در قسمت  
دیگری از زند ان قصر جای دهند . در ضمن تعداد زندانیان سیاسی  
در خاتمه اخیر به ۳۸ نفر رسیده است .

\* حدود او را غراسفند به سه نفر از مهندسين و ده ای نگهبان  
کارگزاران راه را در طول روز چون ملی اطلاع میدهند که باید بیک مأموریت بسیار  
سری و محرمانه بروند . سپس آنها را به جزای شمالی عراق برده و پس  
از گرفتن کارتهای شناسائی آنها لباس کردی نشان کرده و در جمعیت  
افرادى از اردوستانه بارزانی به کردستان عراق میفرستند . مأموریت  
اینها نصب یک ایستگاه فرستنده رادیو برای کرد ها بوده که بعداً  
" رادیو مستقل کردستان " لقب گرفت . ضمناً چون فکر میکردند اگر  
در دستگاه فرستنده مونتاز نشده همراه این ها فرستاده شود در نصب آن  
در چهار شکلاتی میشوند . دستگاه فرستنده ده کیلوواتی چالوس را همراه  
این افراد میفرستند تا آن رادیو کردستان عراق نصب کنند . پس از خاتمه  
کار از طرف پسر بارزانی ضیانتی بانشخار آنها داده میشود و سپس به همراه

----- چنگل ----- صفحه ۸۷

برمیگردند • این افراد را شاید پداتید بد کرده اند که در مورد ما می‌پوشان  
با هیچکس حرفی نزنند •

\* چندی قبل طی يك معامله كوچك شخصی بنام روح الله فرمودند  
مقداری زمین به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان از شاه خریده است که سفته‌هایش  
بهتر از ۲۰۰ هزار تومان شهر خریده است •

سناد و تمبر ما را هم ما در مصر شکر هفت انقلاب خلقها  
بسر می‌بریم • شاید خیلی‌ها بایستند که شکوه و عظمت دوران ما  
در آن زندگی می‌کند نتوانند درک کنند • نتوانند سرود شورانگیز  
را که در سراسر جهان در رگه و دشت و شهر باطنین کلوله دای  
سرخ انقلابیون همراهمی میشود بشنوند • ماد و صری بر می‌بریم  
که قوی‌ترین دشمنان بشریت را با خفت به لانه اش می‌فرستد • ما  
در عصری زندگی می‌کنیم که اراده خلق‌ها همه سلاح‌های اهریمنی  
این دشمن ناپاک بشریت را به‌سخره گرفته است •  
رضا رضائیس را از نامه ای به مادرش

\*\*\*\*\*  
 برنامه مرحله ای به از طرف " جبهه خلق برای آزادی  
 عمان " صادر شده و در نتیجه " مدای انقلاب ارگان  
 این جبهه مرحله ۱۰ ام، ۱۹۷۴ منتشر شده است  
 این برنامه مرحله ای بسیار گره اخیر جبهه و سایر  
 تصمیمات مهمی که در آن اتخاذ شده تهیه شده است  
 بازنشین تصمیم گره تمرکز در جبهه پیشروی آزادی و  
 تغییر نام جبهه از " جبهه خلق برای آزادی عمان و  
 خلق عربی " به " جبهه خلق برای آزادی عمان و  
 \*\*\*\*\*

# ۱ - درباره مبارزات خلق ما و اوضاع جاری

خلق ما تاکنون در طول تاریخ مائوئی خود مورد لشکر کشیها و حمله های  
 استخلافگرا نه نظامیان بیگانه ترار گرفته است، ولیکن پیوسته داشته است  
 که چگونه در مقابل این تجاوزگران مقاومت کرده و همین مبارزات آنها  
 خلاص سازد .

خلق ما با آزادی و استقلال از بدو پیش سرگشته نیست و سلطان بیگانه  
 معروف عثمان است . پیوسته خلق ما از همه، متاهله با طمعکاران و  
 تجاوزکاران برآید و در راه ناپودی آنها حفظ استقلال همین نریاست

نمروانی داده است . سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خلق مایه‌ها، پائشارش برای استقلال و حق حاکمیت خویش، توانست که سهم برخی از خاک میهن را که به چنگه های استعمارگران و مهاجمین آلوده نشده بود حفظ کرده و از آنها پاک‌گامائی بر ضد اشغالگران به‌گانه و مزدوران آنها در صفت پنا سازد \*

در طول قرن ۱۹، خلیج ماچندین بار برای رهایی وطن به حملات بزرگ و متحدی دست زد، همچنانکه قرن بیستم نیز شاهد حماسه های قهرمانی خلق مادرسیاهی ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ و درسیالهای پسران اشغال جبل الاخضر و بیله انگلیسیها بوده است، که در آنجا مقاومت همگانی و توده ای مردم ما برای سالها ادامه داشت \*

خاندان مزدور و بی‌سود خیمات خویش را و آدم‌گش را برای اعضای قرار داد اشغال کشور یادشنان میهن و کمن بانگلیسیها در هجومهای خصمانه بوطیه خلق عمان اعلام داشته است، \* تاجانیکه در کلیه هجومهای نظامی و حشمانه انگلیسیها بوطیه مقاومت خلق عمان بر قبری " قواسم " در سالهای ۱۸۰۵ تا ۱۸۲۰ شرکت داشته و ثابت نموده است که ششمر بارکش خوبی برای اشغالگران بوده و دشمن اصلی خلق عمان و آرمانهای اود در حفظ استقلال و حاکمیتش میباید \* و دربار که خلق بوطیه این نظم تمام کرده و بر ضد آن دست به سلاح برده تا میهن را از لوث وجودش پاک سازد، این خاندان دست بدامن اربابان انگلیسی انداخته تا او را در برابر خشم خلق حمایت نمایند \* و در هجومی که بر قبری انگلیسیها

----- جنگل ----- صفحه ۹۰

رای اشغال جبل الاخضر و انضمام آن به رژیم مزد و مسقط در سال ۱۹۵۵ صورت گرفت طمعکارهای انگلیسها با ضایع خاندان موسعید برای ادامه سلطنتان بر خلق یکی گردید \*

از آن هنگام که قرارداد ۱۷۹۸ بین انگلیسها و حکومت مزد و مسقط  
حناء گردید و از آن هنگام که انگلستان نفوذ خود را در سراسر منطقه خلیج  
کسترش داد همواره کوشید و است خلق عمان را به بردگی کشید و وحشیانه  
سیاستهای سرکوب و ظلم و استثمار را مورد آن اعمال آید و همچنین  
انگلیسها کوشید و اند کستیرانی و بازوئانی و منابع محلی عمانی را بنا بر روی  
شید و اقتصاد آنرا در هم پیژند و بدین ترتیب عمان در یک عقب ماند کسی  
نم جانیه باقی ماند \*

خلق ما خلق عمان با اصلیت و شجاعت بطویه حجم امپریالیسم انگلستان  
بر سر زمینش ایستادگی نمود و قبل از آن نیز با عمان شجاعت و مقابل حجم  
ستعمار بریتانیا و هلند و لشکر کشی ایران که در قرن ۱۸ صورت گرفت مقاومت  
نمود و در این مقاومت فرمانان هزاران شهید داد \*

پس از یک سلسله تجارب مبارزاتی طولانی مقاومت در برابر اشغال بهنگام  
بازخلاف در دههای بزرگ تاریخی که خلق ما از این تجارب و نقاط مثبت و  
منفی آن آموخته است و توده عمان راه جنگ دراز مدت خلق را برگزید و  
در روز ۹ ژوئن ۱۹۶۵ پیمودن این راه را آغاز نمود \*

استعمار انگلیس دشمن اصلی خلق ما است و همان حساب دشمن

منطقه خلیج است که انگلیس برای دست یابی بر آن به منظور ایجاد خطوط ارتباطی به هند گشوده است بر آن تسلط باید .

پس از جریان نفت در منطقه خلیج و سنگین بار استعمار انگلیس بر عمان افزوده شد تا جائیکه قرارداد های سیاسی و نظامی بیشتری را تبدیل کرد و کشور را به ارباب مستعمره کامل انگلیس تبدیل نمود و با یگان های پراکنده در همه ریهت الفالج و صلاله و غیره تبدیل به عامل خطرناک و تهدید پسند کننده علیه مبین ما و برای همه منطقه خلیج بحری کردند .

استعمار انگلیستان از خانواده مزد و رابو سود سرپوشی برای همه نقشه های خویش ساخته تا به وسیله این عامل مزد و مزدی همه امور داخلی و خارجی را از طریق آن اجرا کند و همه سیاست های جنایتکارانه خود را بر علیه خلق ما به وسیله آن عملی نماید . با سران پر شدن نفت و طمع کارهای همه دستهای امپریالیست و در رأس همه آنها ایالات متحده آمریکا بر کشور ما انگار گشته بطوریکه آمریکایی های پس از بگیری مواضع انگلیس را انضالی نمودند و آمریکاییان نقشه تسلط بر این منطقه و همچنین ایجاد زیرمهای قوی سرکوب محلی مثل ایران را ریخت تا از آنها در ضربه زدن به جنبش آزادیبخش ملل و توسعه نفوذ امپریالیستهای جدید بر خلق ما استفاده نماید .

انگلیستان با تمام امکانات خویش برای حفظ عمان و باقی نگه داشتن سلطه سیاسی و نظامی و اقتصادیش بر آن می کوشد . و در مقابل با تحریکات

مظیمی که منطقه شاهد آن بود و همچنین د برابر افزایش فعالیت‌های  
جبهش آزاد بهمن ملی و انقلاب مسلحانه در استان جنوبی عمان و انگلیس  
تصمیم را به عقب نشینی از منطقه خلیج عربی اعلام داشت تا بتواند نیرو  
خویش را در منطقه عمان متمرکز کرده و وجود خویش را در این منطقه حفظ  
کند . برای این منظور به عقد قراردادی با آمریکا بهایی براد اسم  
تسلط انگلیسها بر منطقه و همچنین طرح‌های خصمانه مشترکی برای مقابله  
با انقلاب خلق عمان و زمین ضائع مشترک امپریالیست‌ها بدست نمود .  
از کودتای انگلیسی سال ۱۹۷۰ که طی آن قاپوس حکومت رسانده  
شد تاکنون ، کلیه تشکیلات ستوطرح‌هایی یکی پس از دیگری برای کله  
با انگلیس‌ها در مقابله با انقلاب و اجرای اصلاحات شخصی در کشور منظور  
پراکنده کردن پایگاه توده ای انقلاب و گرفتن انگیزه های انقلاب مسی  
ریزند .

بدین ترتیب کسورمانت تحت تسلط مستقیم انگلیس‌ها و رژیم مزد و قاپوس  
شاهد دخالت‌های روز افزون بهگانگان در امور خلق ما و با پمال کردن استقلال  
و حق حاکمیت میهن بوده است . میل نیروهای انگلیسی و ارتش‌های  
مزدور برای سرکوب انقلاب مسلحانه و جبهش توده ای سران پرگشت و تناس  
امیت امپریالیست‌ها را بر خلق عمان بزور تحمیل نمایند ، وزمانی که همه  
این روش‌ها با شکست مواجه گردید و همراه با آن کلیه شبهه های خدمه  
و بیروتک نیز از تحقیق رساندن هرچند فی عاجز ماندند ، طبق نقشه ای که

همان سنو رفته است و کارشناسان آمریکائی و انگلیسی بر اجرای آن نظارت دارند و ارتش ایران برای سرکوب انقلاب خلق ما و تحمیل تسلط امپریالیسم یومانی و انضمام آن به امپراطوری ایران در خاک عمان پیاده شد .

۱. استعمارگران انگلیسی علت بد بختیهای مستعد که خلق مایم اکنون از آن رنج میکند . آنها همچنان از پایگاههای نظامی خود برای حملات هممانه بولیه خلق ما در مناطق آزاد شده استفاده میکنند . هم چنین آنان از موضعینهایی که کارشناسان و مستشارانشان پرده موسسات نظامی و سیاسی و اقتصادی کشور دارند برای حفظ منافع همه امپریالیستها استفاده میکنند .

امپریالیسم آمریکا این دشمن اول و اصلی خلقها و اکنون برای افزایش دخالتش در عمان میکوشد و این کوشش در تحت سرپوش وجود انگلیسها و حمایتی کامل با آن در طرح نقشه های جنایتکارانه برای سرکوب انقلاب سلطانه و تسلط کامل بر سرزمینهای عمانی انجام میدهد .

پس از اینکه بر امپریالیستهای امریکائی ناتوانی انگلستان در مقابل

با انقلاب سلطانه و پهلایان رسانیدن آن آشکار شد ، همه نیروهای

انگلیسها در مقابل باهمین پرستان عمانی هفتم ماند ، هم اکنون میکوشند

که جاباها<sup>۱</sup> برای خویش در کشور پیدا کرده و میراث خواری وجود انگلیسها

کردند . آنها میترسند که آتش انقلاب گسترش یابد و منافع آنان در منطقه

خلیج و تنگه راهنا بودی کشاند . و با تمام امکانات خویش میکوشند تا ایران بتواند سلطه و نفوذ خویش را بر همه منطقه خلیج تحمیل کرده و همان راه یکی از وابسته های امپراطور شاهنشاهی تبدیل سازد . و همین جهت است که آنان قادر بر <sup>معتد</sup> بهی از سلاح های مدرن خویش، راه مزد وراثشان در تهران میدهند تا آنان نقش زانند ارضی را در منطقه بجهده گیرند .

ارتجاع ایران ، این مزد و راه میالیم امریکا و ایگاه درجه اول آن در این منطقه و خواستار تسلط بر کشور ما و استفاده از خاک ما برای حمایت شافع اربابان امپریالیست خویش و اجرای نقشه های آنها میباشد . در طول سالهای گذشته ارتجاع ایران دلائلی یکی پس از دیگری بر طمعکار <sup>بهای</sup> توسعه طلبانه خویش در منطقه عرضه داشته است .

در سال ۱۹۷۱ جزایر عمانی ابوموسی، وطنب بزرگ و کوچک را اشغال کرد . همچنین قبل از آن جزایر عمانی دیگری را مثل مهری و غیره را که از جزایر دهانه خلیج میباشند اشغال نمود و تعداد کثیری از کاوشناسان و افسران و تجهیزات نظامی را برای رژیم مزد و مستطع فراهم داشت و هم اکنون ایران بصورت آشکاری، بشکرتکشی بهمان پرداخته و تعداد معتدایی از نیروهای ایرانی مسلح بدون ترس سلاحها برای ضربه زدن بانقلاب و آماده کردن زمینه برای انضمام اراضی بیشتری از کشورهای عربی به ایران وارد عمان شده اند .

خطر توسعه طلبی ایران و آشکرتکشی ایران تنها بهت مهمن ما و خلق

عرب‌عمانو. ماراتند بد نمی‌کند بلکه همچنین شمه شطحه خلیج و آینه و جنبش  
آزاد بیخ‌ملی عربی را در سراسر جزیره عربی و عراق تهدید می‌نماید.  
ایران نه تنها نقش‌راند ارضی ضائع امپریالیزم آمریکا در منطقه خلیج  
را به‌سده دارد بلکه همچنین می‌خواهد که به طمعکارهای توسعه طلبانه  
خوش‌رنگ، ترش‌غول، در تمام مناطق مجاور و انضمام قسمت‌های بیشتری از  
خاک عربی به امپراطوری، شاه مزد و ریا عمل پیوندد.

درست در وقتی که شاه هرروزه در سیاست داخلی و بظلم و ستم و سر  
کوب خلق ایران و یهودی نیروهای ملی و موکراتند آن می‌برد از دست  
خارجی. هم اکنون با اشغال خاک خلق، عمان و کتار ملین عمانی و ازین  
بدون و فرزندان دهکده ها و مزارع عمانی در استان جنوبی عمان پرداخته  
است. و مسلم این سیاست مانع از تکرار چنین عملی در در زمان و در هر  
قسمت دیگری از عمان و خلیج و با جزیره العرب برای تحقق طمع توسعه طلبی  
و هم شاهنشاهی و اجراء خواسته‌های اربابان امپریالیزم و سرکوب  
جنبش آزاد بیخ‌ملی عربی و حمایت از ضائع امپریالیزم در هر جزیره دیگری  
از این منطقه نیست.

خانواده مزد و توسعه‌یافته دشمن اصلی خلق عمانند و در رأس این خانواده  
که ظلم و ستم بر خلق عمانی ماروا داشته و سرزمین‌های آنرا به مهاجمین تسلیم  
کرده است، قابو بر مزد و قرارداد که در نمای عمان را بر روی دخالتهای  
بهترین‌یگانه باز کرده و سرانجام کسی را جز طمعکاران ایرانی برای طلب

یاری از ارتش آن برای انضال عمان و ( پایمال کردن ) خلق آن نیافته است .

این روز ناگهون ضاطعی را کاملاً تسلیم مد اخله کران ایرانی کرده است و هم اکنون همه گونه امتیازات و تسهیلات را در اختیار آنان قرار می‌دهد و هر روز سهم بیشتری از سرزمین های وطن بطح آنان چشم می‌پوشد و دست آنان را در بهاری گرفتن سرخشت مردم باز می‌گذارد . کار این رژیم در رستماری مستعجله بوده ، نمای خلق خیانت و دشمنی میهن با نجاگشیده که خاک میهن را هیچ گرفته تسهیلی از آنرا بهر ایران بخشیده و موافقت کرده است که نیروهای تجاوزگر ایرانی بر خاک عمان تسلط یابند .

مبارزه عادلانه خلق ما بولیه وجود بیگانگان و تجاوز رژیم ایران به هیچوجه از مبارزه بولیه حکومت خانواده دست نشانده بوسعید که نگار آن از همانتهاد افکندن ممانع میهن ما و خلق ما ببرز است جدائی پیزی نمیباشد .

## ۲ - درباره ضرورت گسترش جبهه متحد ملی

مسئله آزادی عمان از تسلط امپریالیستها و مد اخله کران نظامی ایرانی و هم پیمان آنها رژیم مزد و زآل بوسعید مسئولیت بگردن هر فرد عمانی که میهنش همان را دوست داشته و نسبت به حق حاکمیت و ضایع خلق خویش احساس مسئولیت میکند .

برمه هموطنان شریف‌همانی در داخل و خارج ، مردان و زنان واجبست که بیشتر از هر زمان دیگری برای مقابله با خطری که همگسی آنان را تهدید می‌کند و برای رهائی عمان از دست اشغالگران و تجاوزگران بیگانه و خانواده خائن آل پوسید و فقیه مزد ورنانی که در رکاب آنان هستند باید بگرم‌تحد شوند .

دفاع از سرزمین عمان و خلق عمان در برابر استعمارگران انگلیسی و تجاوزگران ایرانی و مزدوران آنها ، رژیم حاکم سقط و نه تساهل همه عمانی‌هاست بلکه وظیفه مقدسی است بگردن همه آنان و برمه انفراد خلق عمان است که برای انجام این وظیفه مقدس و نجات میهنشان از اشغال و باره باره شدن و خرابی و برای ساختن یک عمان مستقل متحد و موکراتیک متحد شوند .

بخواهر پیروان راندن استعمارگران انگلیسی و نابودی تجاوزگران ایرانی و سرنگونی حکومت خانواده مزدوران آل پوسید ، قیام خلق عمان و یکی کردن و پیوستن همه نیروها و شخصیتها و طبقات ملی و هرکسی که در سرنگونی حکومت اشغالگران و مزدوران نفعی دارد ضروریست . و لازم است که همه این کوششها و جهت یک مقاومت توده ای همه جانبه و متحد بر علیه دشمنان خلق و میهن بکار رود . چیمه متحد ملی که مرحله فعلی مبارزه آنها را ایجاد می‌نماید ، چیمه است برای همه‌پمانی مبارزاتی بین کلیه طبقات ملی و نیروها و شخصیتهای ملی درون خلق .

ایجاد چنین چپه ای امروز وظیفه ضروری تاریخی است که بیشتر  
از همزیان دیگری برگردن همه خلق مافراد و ضرورتی است که برای  
شکست دشمنان خلق و نجات شرف ملی گریزی از آن نیست \*

۲ - درباره شیوه ها و وسیله های مبارزه ملی

در مقابل با امپریالیزم انگلستان و مداخله گران نظامی ایرانی و  
نیم مزد و آل بوسعید و در برابر انقلاب عثمان راهی جز این وجود ندارد  
که انقلابی توده ای و گسترده بوده و منبع اصلی آن توده های خلق که  
در هر اجتماعی سازنده تاریخ و تدوین و در آئین هر انقلاب حقیقی ای  
میباشند باشد \*

برای مقابله با چنین دشمنانی و مخاطراتی ناپودی نهایی آنها  
و نجات عثمان است که این انقلاب انقلابی دراز مدت بوده و استرا  
تیکهای سیاسی و نظامی اثر ممتدی بر همین اصل باشد \*

در مقابل با چنین دشمنانی و مخاطراتی ناپودی نهایی آنان و برای  
انقلاب عثمان چاره ای نیست جز اینکه انقلابی مسلحانه باشد و ششم  
انقلابی خلق را برای از بین بردن خشم امپریالیزم و تجاوزگران و  
مزدوران محلی آنها بکارگیرد \*

بدون این قهر و بدون اقدام برای ناپودی و درهم کوبیدن نیروها  
دشمنان و وسائل سرکوب آنان و خلق هرگز به خارج کردن قدرت سیاسی  
از دست دشمنانش و نجات میهن دست نخواهد یافت \*

----- جنگل ----- صفحه ۹۹

شکی نیست که دشمنان از لحاظ داشتن وسائل مرکوب بر خلق عقب  
مانده و مستغنیه و بی سلاح ماهرتری دارند و لکن این برتری بدوین  
شک برتری موقتی است و ما با کوشش و پیگیری خلق در مبارزه دراز مدت  
بر آن غالب شده ناپوش خواهیم کرد \*

جنگه نوده ای دراز مدت خلق راهیست که ما میتوانیم از طریق آن  
اثرات نیروهای دشمن را خنثی کرده و نیروهای موقتی اش را به ضعف  
تدریجی و ضعف موقت خنثی را به نیروهای روز افزون تبدیل سازیم \*

تا کید ما بر خط مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی و استراتژیک  
مبارزه ملی و همچنین بر ضرورت بکار گرفتن قهر و خاطر خنثی کردن نیرو  
دشمنان و تسلط قدرت سیاسی از آنان به پیچیده معنی چشم پوشی  
ما از اشکال دیگر مبارزه نیست \*

اگر شکلهای متعدد دیگر مبارزه، مبارزه مسلحانه را پشتیبانی نکنند  
مبارزه مسلحانه ممکن نیست به پیروزی برسد \* و مبارزه خلق عمان است  
که از همه اشکال مبارزه بطور همزمان استفاده کند، بطوریکه شکلهای  
دیگر مبارزه را در اجرای مبارزه مسلحانه و بعنوان پشتیبان آن و منظور  
تزدیک کردن لحظه رهائی ملی و تحقق پیروزی جهت دهد \*

۴ - وظایف و هدفهای انقلاب

خلق عمان بخاطر اهداف ملی، قانونی برای حق تعیین سرنوشت  
و با برجا ساختن حق حاکمیت خویش بر وطن مبارزه میکند \* خلق ما بخاطر  
رسیدن به یک دموکراسی واقعی که در خدمت اکثریت قریب با اتفاق خلق

همان است و نه بخاطر دموکراسی متعفن قابوس و انگلیسها یعنی دموکراسی مزدوران و دیکتاتوری و تروریسم مبارزه میکند \*

خلق ما، سالیان دراز برای تحقق هدفهای زیرمبارزه کرده و همچنان بمبارزه خویش و با استفاده از همه امکانات برای تحقق این هدفها ادامه خواهد داد :

اول - آزادی عمان از هرگونه اشغال و استعمار و تحقق رسانیدن استقلال و بدین جهت خواستاریم که :

۱ - همه قراردادهای و توافقهای ملنی و غیرملنی که با انگلستان یا دولت امپریالستی دیگریته شده ملغی شود \*

۲ - همه پایگاههای انگلیسی، آمریکائی و ایرانی از سراسر خاک و جزایر اشغالی عمان برچیده شوند \*

۳ - همه نیروهای انگلیسی و ایرانی و مستشاران و افسران بیگانه از عمان بیرون رانده شوند \*

د - برپاداشتن حکومت ملی دموکراتیک از طسریق :

۱ - خاتمه دادن بحکومت عنبره ای سلطنتی یعنی بحکومت مهرشی خانوادہ مزدور آل ابوسعید \*

۲ - برپاداشتن جمهوری دموکراتیک خلق یعنی بحکومت و هم پیمانی همه نیروهای ملی و دموکراتیک، خلق، عمان \*

۳ - برپاداشتن مجلس قانونگزاری منتخب مردم برپایه دموکراسی

----- جنگل ----- صفحه ۱۰۱

صحیح طیبی مجلس قانون اساسی متوقی را برای کشور وضع خواهد کرد .  
سم - - - - - تضمین همه گونه آزاد بهای سیاسی و دموکراتیک برای خلق  
از طریق :

۱ - آزادی همه زندانیان سیاسی و از بین بردن همه سازمانهای  
جاسوسی انگلیسی ، آمریکائی و ایرانی از کشور و برقراری آرامش و امنیت  
برای هم میهنان .

۲ - الغاء حکومت نظامی تحمیلی بر بخشی مبنی از کشور و الغاء قوا  
که آزادی هم میهنان را در وقت آمدن در شهرها و بین روستاها محدود می  
کند .

۳ - اجازه بازگشت بکشور برای همه عناصر ملی که به خاطر فعالیتهای  
هشتم اشغالگران و ضد رژیم مزد و راکشور بیرون رانده شده اند و تضمین همه  
گونه حقوق سیاسی برای آنان .

۴ - آزادی مطبوعات و اجتماعات و آراء برای همه مردم میهن پرست  
هائی .

چهارم - - - - - برقراری از یک سیاست اقتصادی سالمی که مضمین تسلط  
خلق بر ثروتها و تصرف در آنها برای هدفهای توسعه ملی و ملی  
باشد و بدین منظور ضروریست :

۱ - ملی کردن شرکتهای نفت برای تحقق حق حاکمیت خالص  
بر آنها و الغاء همه امتیازات ظالمانه ای که حکام خیانت پیشه در این

----- جنگل ----- صفحه ۱۰۲

زمینه احداث کرده اند . در اختیار گرفتن این ثروت ملی برای ساختن يك اقتصاد ملی مستقل - اقتصادی که در خدمت خلق ما و همگی خلق عرب و نافع انسانی بوده از ثروت و بازوهای شرکت های نفتی که سود های کلانی به حساب خلق ما به جیب می ریزند و باقیش های بین الطلی بازی میکنند بدو ریاشد .

۲ - بر اساس ساختن صنایع ملی نیرومندی که همه ثروت های طبیعی عظیم کشور ما را به دست گیرد و عدم واگذاری آنها به شرکت های خارجی که آن را استخراج کرده و بر حسب نافع انحصارات به گانه و منفعت نا چیزی که به حکام خائن محلی میدهد بفروش می رسانند .

۳ - بر اساس ساختن يك بانک دولتی و ملی کردن همه بانک های به گانه که بر اقتصاد ملی ما حکومت میکنند و تسلط بر شرکت های به به گانه .

۴ - گذرش مبادلات بین عمان و همه دولتها نیکه استقلال و حق حاکمیت خلق عمان بر زمین خویش را محترم می شمارند ، بر مبنای اصل برابری و برود و مقابل .

۵ - توسعه ثروت ما به گیری و ثروت های حیوانی و بر اساس ساختن صنایع وابسته بآن .

پنجم - آزادی دهقانان از روابط فئودالی و روابط عقب مانده و به گیری سیاست کشاورزی سالمی که از سطح زندگی دهقانان نتیجه شده و در خدمت اقتصاد ملی باشد . باین خاطر ضروریست که :

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## ----- جنگل ----- صفحه ۱۰۲

۱ - قانونی بر اصلاحات ارضی که همه دهقانان را از زمین بهره مند گردانند وضع شود و شعار " زمین از آن کسی است که آنرا میکارند " به اجرا درآید . در این مورد از همان بردن هرگونه تبعیض قبیلی پانزادی و غیره ... بین دهقانان .

۲ - صادره همه زمینهاییک به شرکتهای خارجی و استعمارگران بیکانه داده شده است و توزیع این زمین ها بین دهقانان .

۳ - بهبود زمینهای که تاکنون گشت نشده است و توزیع آنها در بین دهقانان و مواظبت از آبهای زیرزمینی و تکامل دادن سیستم آبیاری در کشور و حمایت از زمینهای زراعتی در برابر سیل و حوادث طبیعی .  
۴ - تشویق دهقانان به تشکیل تعاونیها و کمک بآنها در زمینه های پذیر و کود و وسائل کشاورزی .

۵ - کمک به دهقانان برای اقدام به تولید کشاورزی و قدرت استقلا از نمونه های بدین در کشاورزی و فروش تولیدات کشاورزی .

۶ - آزادی دهقانان از استعمارگران و مهر دلالان و تاسیس بانک کشاورزی که کار آن فرض دادن بد دهقانان بدون بهره و با بهره های ناچیز خواهد بود .

۷ - توسعه و تشویق مبادلات بازرگانی بین شهرها و روستا و وجود آوردن خدمات اجتماعی برای هموطنان در روستا و در مناطق دور افتاده .  
ششم - وضع قوانینی برای تضمین حقوق کارگران و کارندان و بالا

رفتن سطح زندگی آنان و بدین منظور:

- ۱ - الغاء قانون کاراستعماری که رژیم مزد و آزارتحمیل کرده است.  
وضع قانون کارمترقی ای که ضامن حقوق کارگران و کارندان بوده و در  
وضع این قانون نمایندگان آنان شرکت داشته باشند .
- ۲ - اجازه دادن بکارگران و کارندان به تشکیل سندیکاها و  
اتحادیه های کارگری برای دفاع از حقوق خویش و دادن حق امتیاز  
به آنان .
- ۳ - شرکت دادن کارگران در اداره شرکتها و موسسات و کارخانه ها  
از طریق نمایندگان انتخابی آنها در اداراتشان .
- ۴ - تأسیس هنرستانهایی برای آموزش حرفه ها و مجبورکردن مقاطعه  
کاران و شرکتها با استخدام کارگران و تعلیم آنها و آموزش عملی آنان برای  
کارهای بهتر .
- ۵ - بیه های اجتماعی و پزشکی برای کارگران و کارندان و خانواده  
آنها بدون هیچگونه تبعیض قبیله ای یا نژادی و غیره . . .
- ۶ - مبارزه بابیکاری و ایجاد زندگی شرافتمندانه برای همه هموطنان  
و آمانه کردن شرایط برای همه عمانیها برای بازگشت به وطنشان و  
بداشت آوردن کارمحرمانه که آنان مجبور به هاجرت نبوده و آنان را در کشور  
در اقدام بآبادانی کشورشان یاری رساند .
- هفتم - رسیدگی و توجه باوضاع اجتماعی خلق در همه زمینه ها از

طریق :

- ۱ - الغاء همه موانع و توانین ظالمانه ای که بین هموطنان ماهر  
اساس جنبیگی، عزادی، طائفه کوری و یا اجتماعی فرق میگذارد .
- ۲ - برابری زن با مرد در تمام حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی  
و گذاشتن همه گونه کمک و تسهیلات برای جنبش یانوران در اختیار آنان  
بمنظور توجه به زن و گشودن راه برای شرکت فعال او در امور مبین و ساختن  
آن .
- ۳ - اهتمام بوضع جوانان و اجازه دادن بآنها به ناسپر جمعیتها  
و اتحادیه ها و تشویق آنها و حفظ شایع آنان و استفاده از امکانات بسی  
بایانشان در خدمت خلق و وطن .
- ۴ - خدمت پزشکی و جانی بودن آن برای همگوار طنان و برپا  
کردن بیمارستانها و درمانگاهها و مراکز بهداشتی، عمان از جمله روستاها  
و مناطق در افتاده .
- ۵ - اهتمام به ساختن بیمارها و روزستانها و گذاشتن تسهیلات در  
اختیار هموطنان برای ساختن خانه های مناسب و الغاء همه توانینسی  
که هموطنان را از ساختمان در برخی از مناطق عمان منع مینماید و رساندن  
آب و برق به شهرها و نرجه ها و روستاها .
- ۶ - تشویق فعالینهای اجتماعی و الغاء همه توانین نیرانسانهای  
که استعمارگران و رژیم مزدور برای کلوپها و جمعیتها وضع کرده اند و

----- جنگل ----- صفحه ۱۰۶

اجازه دادن به هموطنان به همه گونه فعالیت‌های اجتماعی با آزادی کامل .

- ۷ - بهبود وضع عبور و مرور راه‌های ارتباطی در همه نقاط کشور از آن جمله مناطق روستایی و کوهستانی و مناطق دور افتاده و صحراها .
- ۸ - اهتمام به وضع چرمانان و ساهنگران و گذشتن همه گونه خدمات و تسهیلات در اختیار آنان .

هشتم - مبارزه با بیسوادی و فرهنگ ارتقای و بنای یک فرهنگ ملی و بدین منظور تحقق اهداف زیر ضروریست :

- ۱ - الغاء همه برنامه های تعلیماتی تعلیم گرانه و ارتجعی که در حال حاضر در میان دنبال میشود و توسعه فرهنگ ملی که دنبال تاریخ خلق ما و خلق بزرگ عرب است . وضع برنامه متری تعلیماتی ای کسبه هدف آن ساختن نسل تحصیل کرده و علاقمند با مور خلق و مبارزاتی و امید های آینده میباشد .

۲ - تحقق تعلیم اجباری و جهانی کردن آن برای همه در تمام مراکز آموزشی .

- ۳ - ساختن مدارس و هنرستانهای صنعتی و ساختن دانشگاه ، شامل هنرستانهایی که تامین کنند کادرهای فنی در مجموعه یک طرح همه جانبه توسعه قدرتهای انسانی و مادی کشور باشد .
- ۴ - کوشش برای مبارزه با بیسوادی که هم اکنون اکثریت عظیمی

## ----- جنگل ----- صفحه ۱۰۷

از خلق عمان را در بر میگیرد و کوشش فعال از طریق یک برنامه طرح ریزی شده برای از بین بردن این بیماری •

۵ - اجازه دادن به دانشجویان برای تشکیل اتحادیه های دانشجویی برای دفاع از حقوق خویش و برای تکامل نقششان در خدمت به خلق و وطن •

۶ - اهتمام به هنرهای خلقی و حفظ آثار فرهنگی عمان •

نهم - بایه گذاری ارتش ملی قوی که اساس آن احترام و همبستگی بین سربازان و افسران بوده و مجوز به سلاحهای پیشرفته و آموزش خوبی که از فرهنگ ملی و روح ملی عالی اشباع شده با موریانه صبح توده های خلق پیوند داشته باشد •

دهم - گذشتن امکان در اختیار گروههای خلق برای انجام نقش فعالی در دفاع از زمین بوسیله تاسیس نیروهای مسلح خلق بصورتیکه بتوانند در دفاع از منافع و حق حاکمیت ملی در برابر هرگونه توطئه و یا طمعکاری توسعه طلبی بیگانه با ارتش همکاری نمایند •

یازدهم - احترام به همه عقاید و مذاهب دینی و عدم تمایز و عمل با مذهب و طوائف مختلف اسلامی •

دوازدهم - حمایت و تضمین حقوق همه اقلیتها و اقلیتهای خارجی که با استقلال عمان و حاکمیت خلق آن احترام میگذارند •

سیزدهم - کوشش برای بازگرداندن وحدت طبیعی عمان از ظفار

----- جنگل ----- ۱۰۸

تا ابوهی و کوشش دائمی برای تحقق این آزادی عزیز خلق ما با استفاده از راههای محالیت آمیز و بدون مداخله و مداخله خارجی \*

چهارم - قرارداد همه امکانات عمان برای شرکت در خطایه از همی بودن منطقه خلیج در برابر طعمکارهای شاهنشاهی. اینست در کارهای ملی و دیپلماتیک در این منطقه و شرکت فعال در تحقق وحدت عمان و خلیج بعنوان یکی از آزادیهای خلق عرب در این منطقه و بعنوان قدمی در راه وحدت عربی و مسیحی \*

پانزدهم - اینست که در کار خلق نسلین و انقلاب سلطانه اش و بدل همه امکانات برای کمک باین خلق برای بازگشت به وطنش برای نابودی دولت صهیونیستها \*

شانزدهم - استحکام روابط محبتی بین خلق عرب عمان و خلقهای عرب و شرکت فعال در جنبش انقلابی عرب برای تحقق هدفهای در جهت آزادی و ترقی اجتماعی و وحدت \*

هفدهم - پیروی از یک سیاست خارجی مستقل و غیر متعبد به سر بنای اصول زیر:

- ۱ - دوری از شرکت در سیاستهای نظامی و اجازه ندادن به هیچ دولتی برای ساختن پایگاه نظامی در خاک عمان و یا استفاده از خاکهای خودی برای تجاوز به خلقهای کشورهای دیگر \*
- ۲ - برسمیت شناختن روابط دیپلماتیک با همه دولتهایی که

استقلال و سادگیمان را محتمل نموده در مورد اخلاق آن در حالتی  
نمانند .

۳ - برقراری ارتباط همه‌جانبی و وسیع با **خلقها** و دستهای  
که در دست‌آزادی و عدالت و صلح در جهانند .

۴ - پذیرفتن کمکهای غیرمعمول از همه کشورهایی که استقلال همان  
را محتمل می‌شمارند بر مبنای اصل مساوات و سود متقابل .

۵ - ایستادگی راسخ در کار جنبشهای رفائی پیش‌پا نی در قاره‌ها  
آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و همه نیروهای مبارزی که برای تحقق **عدالت**  
و ترقی اجتماعی خلقهای جهان بکوشند .

### هموطنان

خلق قهرمان ایران در دشوارترین شرایط به نبردها ادامه  
خود بجهت استعمارگران انگلیسی و ژیمهای وابسته و فاشیست  
فایس و پولوی ادامه می‌دهد .

ما از تمامی هموطنان بویژه بزرگانانی که مقام خارج کشور  
هستند می‌خواهیم تا کمکهای مادی و انسانی خود را تسلی  
آنجا که ممکن است در اختیار آن‌ها بپوشانیم و تقاضای خود را بپردازیم  
تا می‌توانید با درس زهر می‌کتابه کنید .

ص - ب - ۵۰۳۷

معلای - عدنان

جمهوری، دموکراتیک خلق بین

قبل از مطالعه نشریه، غلطهای زیر را تصحیح کنید :

| صفحه | سطر | غلط                     | درست                                                   |
|------|-----|-------------------------|--------------------------------------------------------|
| ۵    | ۱۲  | نادری                   | معدودی                                                 |
| ۶    | ۳   | بهای                    | بهای                                                   |
| ۷    | ۱۵  | خسوما                   | از جمله                                                |
| ۱۷   | ۳   | پهه                     | پانها                                                  |
| ۲۷   | ۲۱  | شماره ۲۰ خود            | نیر                                                    |
| ۲۸   | ۱   | شماره ۲۰                | در باره :                                              |
| ۳۱   | ۳   | شفجر کرده اند           | جاده بین شفجر کرد ماند                                 |
| ۳۱   | ۱۲  | در این مسیر             | برای کشتل مسیر                                         |
| ۴۲   | ۱۸  | بر اثر اشتباه ۰۰۰ میداد | مامورین را بایک توار جعلی در جاده<br>ساوه تریب میداد * |
| ۵۰   | ۱۰  | وبکارت                  | وسا بکارت                                              |
| ۵۱   | ۱۰  | نیکرفت                  | نیکرفت و کارگران خواستار لغو این<br>روش بودند          |
| ۵۸   | آخر | ملبط                    | ملبط                                                   |
| ۶۲   | ۱۸  | و حتی شاد ده            | و حتی جامه نکرد بهای گاه بگاه                          |
| ۶۴   | ۲   | او تیلور توده           | او تیلور عشق بتوده                                     |
| ۸۳   | ۱۵  | مثلا                    | در حالیکه                                              |
| ۱۰۱  | ۱۵  | پیروزی                  | پیروی                                                  |
| ۱۰۳  | ۱۴  | از استثمارگران و شر     | از شر استثمارگران و دلالان                             |
|      |     | دلالان                  |                                                        |